

ارائه مدل جامع گزارشگری ریسک اعتباری در مؤسسات مالی و اعتباری: تأکید بر عناصر شکلی و محتوایی

ماریه قربانی

دانشجوی دکتری حسابداری، گروه حسابداری، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

نادر رضایی

دانشیار گروه حسابداری، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران (نویسنده مسئول)

naderrezaei@iau.ac.ir

رسول عبدی

دانشیار گروه حسابداری، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

حمیدرضا عزیزی بالابیلگو

استادیار گروه حسابداری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۳

چکیده

این پژوهش با هدف طراحی یک مدل جامع برای گزارشگری ریسک اعتباری در مؤسسات مالی و اعتباری انجام شده است و بر ابعاد شکلی و محتوایی گزارش‌های مالی تمرکز دارد. مدل پیشنهادی به دنبال ارائه چارچوبی است که ضمن ارتقای کیفیت اطلاعات مالی، به کاهش پیامدهای منفی احتمالی همچون ورشکستگی بانک‌ها کمک کند. از نظر هدف، این مطالعه در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار دارد و از حیث روش‌شناسی، به صورت آمیخته (کیفی-کمی) انجام شده است. در بخش کیفی، جامعه آماری شامل اساتید دانشگاه، مدیران مالی، حساب‌برسان و متخصصان حوزه گزارشگری مالی بود. نمونه‌گیری به روش هدفمند انجام شد و ۱۲ نفر از خبرگان انتخاب گردیدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری و با استفاده از روش تحلیل محتوا و نرم‌افزار MAXQDA تحلیل شدند. در بخش کمی، جامعه آماری شامل مدیران ارشد، مدیران مالی و حسابداران مؤسسات مالی و اعتباری و بانک‌های فعال در شهر تهران بود. نمونه‌گیری به روش در دسترس صورت گرفت و حداقل حجم نمونه موردنیاز برای مدل‌سازی معادلات ساختاری، معادل ۲۰۰ نفر تعیین شد. داده‌های کمی از طریق پرسشنامه جمع‌آوری و با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری در نرم‌افزار PLS تحلیل گردید. نتایج تحلیل داده‌های کیفی و کمی منجر به طراحی مدلی جامع برای گزارشگری ریسک اعتباری شد که از دو مقوله اصلی و چندین عامل زیرمجموعه تشکیل شده است. عناصر شکلی شامل ویژگی‌هایی نظیر قابلیت مقایسه اطلاعات، قابلیت فهم برای کاربران مختلف، ارائه به موقع گزارش‌ها، تشریح سیاست‌ها و روش‌های حسابداری، به‌کارگیری تکنیک‌های مدیریت دارایی‌های کاهش‌یافته، و شفاف‌سازی مفروضات کلیدی در تحلیل‌های مالی است. عناصر محتوایی نیز شامل مربوط بودن و قابلیت اتکا، جامعیت و پوشش‌دهی تمامی جنبه‌های مرتبط، شاخص‌های عملکرد مالی، کیفیت دارایی‌ها، نرخ نکول و تمرکز ریسک، تطابق با مقررات نظارتی و سرمایه کافی برای پوشش ریسک‌ها می‌شود. اعتبار مدل طراحی‌شده با استفاده از شاخص کاپا (۰.۹۰۱) مورد ارزیابی قرار گرفت که نشان‌دهنده سطح توافق عالی بین ارزیابی‌کنندگان است. همچنین، عوامل شناسایی‌شده از طریق روش دلفی فازی غربالگری و تأیید شدند. تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی نیز تأثیر ۲۷ عامل شناسایی‌شده را بر گزارشگری ریسک اعتباری تأیید کرد. یافته‌های این پژوهش می‌توانند مبنایی برای تدوین استانداردهای گزارشگری مالی در مؤسسات مالی و اعتباری فراهم آورند و به بهبود شفافیت و مدیریت ریسک در این نهادها کمک کنند.

واژه‌های کلیدی: گزارشگری ریسک اعتباری، عناصر شکلی، عناصر محتوایی، مؤسسات مالی و اعتباری.

۱- مقدمه

ریسک اعتباری به عنوان یکی از چالش‌های اساسی در مؤسسات مالی و اعتباری، نقشی محوری در تضمین پایداری و سلامت مالی این نهادها ایفا می‌کند (آچیمپانگ و الشاندیدی، ۲۰۲۱، ۱۰۵). این ریسک که از احتمال نکول یا عدم بازپرداخت بدهی‌ها ناشی می‌شود، می‌تواند توان اعتباری و عملکرد مالی مؤسسات را به شدت تحت تأثیر قرار دهد (احمدی سرتختی و همکاران، ۱۴۰۲، ۶۶۵). آنچه اهمیت این موضوع را دوچندان می‌کند، نقش کلیدی مؤسسات مالی و اعتباری در جمع‌آوری سپرده‌ها و تخصیص منابع مالی در اقتصاد است (کوشکی و همکاران، ۱۴۰۳، ۳۲۴).

گزارشگری مناسب ریسک اعتباری، زمینه‌ساز شفافیت و بهبود تصمیم‌گیری در بازارهای مالی است. این گزارشگری اطلاعات حیاتی برای ارزیابی عملکرد آتی و مسئولیت‌پذیری مدیران فراهم می‌آورد و با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، موجب بهبود تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاران می‌شود (ودیدی و صفری، ۱۳۹۴، ۱۳۳). مطالعات نشان می‌دهد افشای مناسب اطلاعات ریسک، هزینه سرمایه را کاهش داده و باعث منظم‌تر شدن فعالیت‌های مدیریت ریسک و افزایش شفافیت اطلاعاتی می‌گردد. به طور طبیعی، این روند به ایجاد فضای باثبات سرمایه‌گذاری و کمک به رشد اقتصادی منجر می‌شود (نمازی و ابراهیمی میمند، ۱۴۰۰، ۴). میکلاس و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش خود تأیید کردند که افشای کامل و دقیق ریسک اعتباری، تأثیر معناداری بر ثبات مالی بانک‌ها، به‌ویژه در دوران بحران‌های اقتصادی دارد. بنابراین، علی‌رغم اهمیت انکارناپذیر گزارشگری ریسک، متأسفانه در ایران این حوزه به اندازه کافی توسعه نیافته است. هرچند قوانین و استانداردهای موجود همچون ماده ۲۳۲ قانون تجارت (۱۳۵۷) و استانداردهای حسابداری شماره ۳۶ و ۳۷ (سازمان حسابرسی، ۱۳۹۸) به برخی الزامات افشای ریسک پرداخته‌اند، اما همچنان مشکلاتی اساسی در این حوزه وجود دارد. این مشکلات شامل ضعف در ارائه محتوای جامع، ناکافی بودن شکل گزارش‌ها و عدم توجه به ویژگی‌های خاص محیط کسب‌وکار ایران می‌شود (زارعی و منصور، ۱۴۰۱، ۳۹). الیس و دیویدسون (۲۰۱۹) معتقدند چارچوب‌های گزارشگری ریسک باید با توجه به شرایط محیطی هر کشور طراحی شوند تا حداکثر اثربخشی را داشته باشند. از سویی دیگر، بررسی مطالعات تجربی پژوهش نشان می‌دهد

مطالعات قبلی عمدتاً به مدیریت و سنجش ریسک اعتباری پرداخته‌اند و موضوع گزارشگری و افشای این ریسک کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. پیترسون و همکاران^۴ (۲۰۲۱) تأکید می‌کنند که گزارشگری ریسک اعتباری باید فراتر از محاسبات کمی بوده و ابعاد کیفی و پیش‌نگر را نیز پوشش دهد. نتیجه این کم‌توجهی، خلأ چارچوبی جامع و علمی برای گزارشگری ریسک اعتباری در ایران است که ابعاد شکلی و محتوایی را به طور کامل در نظر بگیرد. عوامل دیگری مانند فرهنگ سازمانی، قوانین ملی و ویژگی‌های خاص بازار سرمایه ایران نیز بر پیچیدگی چالش‌های موجود افزوده‌اند (مهرآرا و بهلولوند، ۱۳۹۵).

در سطح بین‌المللی، استانداردهایی همچون IFRS 7 و IFRS 9 چارچوب‌های دقیقی برای افشای ریسک‌های مالی از جمله ریسک اعتباری ارائه کرده‌اند. این استانداردها تأکید دارند که افشای مناسب اطلاعات ریسک، به سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان کمک می‌کند تا تصمیم‌های آگاهانه‌تری اتخاذ کنند (عرفات‌جو و مائده، ۲۰۲۴، ۴۲). لینسلی و شریوز^۶ (۲۰۰۶) در مطالعه تأثیرگذار خود نشان دادند که کیفیت افشای ریسک با سطح اعتماد سرمایه‌گذاران رابطه مستقیم دارد. مطالعه دوید و هلگسون^۷ (۲۰۲۲) نیز تأیید می‌کند که سازمان‌های مالی با گزارشگری شفاف ریسک اعتباری، عملکرد بهتری در جذب منابع مالی و مدیریت روابط با سرمایه‌گذاران دارند. در ایران، دستورالعمل‌های نظارتی مانند ماده ۲ دستورالعمل ثبت و عرضه اوراق بهادار و ماده ۱۷ دستورالعمل انتشار اوراق مرابحه، بر افشای ریسک تأکید دارند، اما این الزامات عمدتاً به افشای محدود و غیرمنسجم منجر شده‌اند. کراوفورد و استرومپر^۸ (۲۰۱۸) در تحقیق جامع خود روی ۳۵ کشور در حال توسعه، به این نتیجه رسیدند که نبود چارچوب‌های یکپارچه افشای ریسک، باعث افزایش هزینه‌های تأمین مالی و کاهش قابلیت مقایسه گزارش‌های مالی می‌شود. شواهد موجود نیز نشان می‌دهد عدم وجود چارچوب‌های شفاف و جامع برای افشای ریسک در ایران، موجب بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران و افزایش هزینه‌های مالی شده است. بنابراین، ایجاد چارچوبی که هم به نیازهای داخلی پاسخ دهد و هم با استانداردهای بین‌المللی همخوانی داشته باشد، یک ضرورت انکارناپذیر است (فلاح‌شمس و بنی‌شریف، ۱۴۰۰، ۳۹). بنابراین، با توجه به این شکاف محسوس، ارائه مدلی جامع که عناصر شکلی و محتوایی

⁵ Arafate Joao & Maeda

⁶ Linsley & Shrivess

⁷ Dowd & Helgeson

⁸ Crawford & Strumper

¹ Acheampong & Elshandidy,

² Miklaszewska & Pawłowska

³ Ellis & Davidson

⁴ Peterson et al.

سرمایه‌گذاران و کاهش ریسک‌های اعتباری عمل کند. افزون بر این، چارچوب ارائه‌شده، قابلیت کاربرد در سطوح ملی و بین‌المللی را داراست و می‌تواند مبنای اصلاح سیاست‌های افشا و گزارشگری مالی قرار گیرد. در مجموع، نتایج این پژوهش نه تنها به ادبیات مدیریت ریسک و گزارشگری مالی افزوده است، بلکه ابزارهای جدیدی برای بهبود عملکرد مؤسسات مالی در ایران ارائه داده است.

ساختار آتی مقاله حاضر به شرح زیر است. بخش دوم پیشینه پژوهش را در دو بخش پیشینه نظری و پیشینه تجربی ارائه می‌دهد، بخش سوم روش‌شناسی پژوهش را توصیف و بخش چهارم یافته‌های پژوهش را ارائه می‌دهد. در بخش نهایی نتیجه‌گیری و پیشنهادها بیان می‌گردد.

مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

ریسک اعتباری به عنوان احتمال عدم بازپرداخت اصل و فرع وام یا تسهیلات توسط وام‌گیرنده تعریف می‌شود (دونوان و همکاران^۴، ۲۰۱۸) که می‌تواند منجر به زیان مالی برای مؤسسات مالی و اعتباری گردد (آچیمپانگ و الشاندیدی^۵، ۲۰۲۱). این ریسک زمانی رخ می‌دهد که طرف قرارداد نتواند یا نخواهد به تعهدات مالی خود مطابق با شرایط توافق شده عمل کند و عامل اصلی تهدیدکننده سلامت و ثبات مؤسسات مالی محسوب می‌شود (نایلی و لاریچی^۶، ۲۰۲۲). ریسک اعتباری می‌تواند از سه منبع اصلی ناشی شود: ریسک نکول (احتمال عدم پرداخت)، ریسک در معرض خطر (میزان مطالبات در زمان نکول) و ریسک زیان در صورت نکول (میزان زیان پس از اعمال وثایق) (دونوان و همکاران، ۲۰۱۸).

گزارشگری ریسک اعتباری فرآیند شناسایی، اندازه‌گیری، ارزیابی و افشای اطلاعات مرتبط با ریسک اعتباری مؤسسات مالی و اعتباری است (اسکانلا و پلیزی^۷، ۲۰۲۱). این گزارشگری شامل ارائه اطلاعات کمی و کیفی در مورد میزان مواجهه با ریسک، روش‌های مدیریت ریسک، ساختار حاکمیتی نظارت بر ریسک و رویه‌های کنترلی می‌باشد (لیانگ و هی^۸، ۲۰۲۰)؛ عرفات‌جو و مائده، ۲۰۲۴). هدف اصلی گزارشگری ریسک اعتباری، ایجاد شفافیت اطلاعاتی برای ذی‌نفعان مختلف از جمله سرمایه‌گذاران، سپرده‌گذاران، مقامات نظارتی و سایر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی می‌باشد تا آنها بتوانند

گزارشگری ریسک اعتباری را پوشش دهد، می‌تواند به کاهش عدم شفافیت اطلاعاتی، ارتقای کیفیت گزارش‌ها و تقویت اعتماد ذی‌نفعان کمک کند. آبراهام و شریوز^۱ (۲۰۱۴) تأکید می‌کنند که گزارشگری ریسک اعتباری باید همزمان به دو بعد کمی (میزان مواجهه با ریسک) و کیفی (چگونگی مدیریت ریسک) توجه داشته باشد. این پژوهش نوآورانه است زیرا چارچوبی ارائه می‌دهد که نه تنها به مشکلات ساختاری گزارشگری در ایران می‌پردازد، بلکه به اقتضانات خاص این کشور نیز توجه دارد. نوآوری دیگر این مطالعه در استفاده از روش‌های ترکیبی (کیفی و کمی) برای شناسایی نیازها و الزامات گزارشگری ریسک اعتباری است. طبق مطالعه برینکمن^۲ و همکاران (۲۰۱۸)، این رویکرد ترکیبی امکان درک عمیق‌تر از زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و قانونی تأثیرگذار بر گزارشگری ریسک را فراهم می‌آورد. این رویکرد جامع، امکان تحلیل دقیق‌تر و طراحی مدلی کاربردی‌تر و متناسب با شرایط مؤسسات مالی ایران را فراهم می‌کند. در نهایت، ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که بهبود گزارشگری ریسک اعتباری به صورت مستقیم بر سلامت و ثبات نظام مالی تأثیرگذار است. همان‌طور که بیسلی^۳ و همکاران (۲۰۰۵) اشاره کرده‌اند، گزارشگری مناسب ریسک، پیش‌نیاز ضروری برای نظارت مؤثر، پاسخگویی و حاکمیت شرکتی مطلوب است. در شرایط کنونی اقتصاد ایران و چالش‌های پیش روی مؤسسات مالی و اعتباری، طراحی چارچوبی بومی و در عین حال همسو با استانداردهای جهانی، می‌تواند گامی مؤثر در جهت افزایش شفافیت، کاهش ریسک سیستمی و تقویت نظام مالی کشور باشد. بدین ترتیب، این مطالعه با هدف طراحی مدلی جامع برای گزارشگری ریسک اعتباری در مؤسسات مالی و اعتباری انجام شده است. این مدل، ویژگی‌های شکلی مانند قابلیت مقایسه، شفافیت، و ارائه به‌موقع گزارش‌ها را در کنار عناصر محتوایی نظیر جامعیت، کیفیت دارایی‌ها و انطباق با مقررات در نظر می‌گیرد. هدف نهایی این پژوهش، ارائه چارچوبی است که هم به بهبود عملکرد مدیریت ریسک کمک کند و هم به افزایش شفافیت و اعتماد در بازارهای مالی منجر شود. این پژوهش با شناسایی کاستی‌های موجود در گزارشگری ریسک اعتباری و ارائه چارچوبی جامع، گامی عملی در جهت بهبود شفافیت مالی در مؤسسات مالی ایران برداشته است. مدل پیشنهادی نه تنها به نیازهای خاص این مؤسسات پاسخ می‌دهد، بلکه می‌تواند به عنوان ابزاری برای تقویت اعتماد

⁵ Achimpong & Elshandidy

⁶ Naili & Lahrichi

⁷ Scanla & Pelizzi

⁸ Liang & He

¹ Abraham & Shrivies

² Brinkmann

³ Beasley

⁴ Donovan et al.

ارزیابی دقیق‌تری از وضعیت مالی و ریسک‌های مرتبط با مؤسسه انجام دهند (ختن‌لو و همکاران، ۱۴۰۱).

عناصر شکلی و محتوایی گزارشگری ریسک اعتباری به ابعاد مختلف ساختار و محتوای گزارش‌های مرتبط با ریسک اعتباری اشاره دارد. عناصر شکلی شامل قالب‌بندی، ساختار، تناوب گزارش‌دهی، و نحوه ارائه اطلاعات می‌شود که چگونگی انتقال اطلاعات را تعیین می‌کند (کاگیلو و همکاران^۱، ۲۰۲۰). در مقابل، عناصر محتوایی به ماهیت و کیفیت اطلاعات افشا شده مرتبط است و شامل مواردی چون سیاست‌های مدیریت ریسک، روش‌های ارزیابی و اندازه‌گیری ریسک، میزان مواجهه با ریسک، تمرکز ریسک و تغییرات آن در طول زمان می‌باشد (گودرزی و همکاران، ۱۴۰۲). تلفیق مناسب این دو بعد، کلید دستیابی به گزارشگری اثربخش و شفاف ریسک اعتباری است (لیانگ و هی^۲، ۲۰۲۰).

از منظر تئوری نمایندگی، گزارشگری ریسک اعتباری می‌تواند به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران (به عنوان نمایندگان) و سرمایه‌گذاران (به عنوان مالکان) کمک کند. افشای شفاف و جامع ریسک اعتباری موجب می‌شود سرمایه‌گذاران و سپرده‌گذاران بتوانند عملکرد مدیران را در مدیریت ریسک بهتر ارزیابی کنند و در نتیجه، هزینه‌های نمایندگی کاهش یابد (بدی گمچی و همکاران، ۱۴۰۳). میکلاشفسکا^۳ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش خود نشان دادند که افشای بهتر ریسک اعتباری منجر به کاهش هزینه سرمایه و افزایش ارزش بازار مؤسسات مالی می‌شود. همچنین، طبق تئوری علامت‌دهی، مؤسسات مالی با عملکرد بهتر در مدیریت ریسک اعتباری تمایل بیشتری به افشای اطلاعات دارند تا خود را از سایر رقبا متمایز سازند (طاهری و همکاران، ۱۳۹۸). عناصر شکلی و محتوایی گزارشگری ریسک اعتباری با ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی ارتباط مستقیم دارند. عناصر شکلی مانند قالب‌بندی و ساختار گزارش‌ها بر قابلیت درک و مقایسه‌پذیری اطلاعات تأثیر می‌گذارند، در حالی که عناصر محتوایی بر مربوط بودن و قابلیت اتکای اطلاعات اثرگذار هستند (پیترسون و همکاران^۴، ۲۰۲۱). طبق یافته‌های دونوان و همکاران (۲۰۱۸)، گزارش‌های کیفی با ساختار مناسب و محتوای جامع، قدرت پیش‌بینی بالاتری برای تشخیص مشکلات آتی ریسک اعتباری دارند. اسکانلا و پلیزی (۲۰۲۱) نیز تأکید می‌کنند که تعادل مناسب بین افشای کمی و کیفی ریسک اعتباری، موجب ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی می‌شود. تئوری‌های اقتصاد اطلاعات بیان می‌کنند که مؤسسات مالی باید هزینه‌ها و منافع افشای اطلاعات ریسک اعتباری را

متوازن سازند. افشای بیش از حد ممکن است منجر به افشای اطلاعات محرمانه تجاری شود، در حالی که افشای ناکافی می‌تواند سبب عدم اطمینان و افزایش هزینه سرمایه گردد (خوش خلق و طالب نیا، ۱۴۰۰). مطالعات لوپز لیرا^۵ (۲۰۲۳) نشان می‌دهد که رابطه غیرخطی بین میزان افشای ریسک اعتباری و ارزش شرکت وجود دارد، به طوری که افشای بهینه (نه کم و نه زیاد) بیشترین تأثیر مثبت را بر ارزش شرکت دارد. علاوه بر این، چارچوب‌های قانونی و نظارتی مانند IFRS 7 و IFRS 9 در سطح بین‌المللی و دستورالعمل‌های داخلی، حداقل الزامات افشا را تعیین می‌کنند که بر ماهیت و محتوای گزارشگری ریسک اعتباری تأثیرگذار است (رامشه و همکاران، ۱۴۰۳). بنابراین، مرور مبانی نظری نشان می‌دهد که گزارشگری ریسک اعتباری فرایندی حیاتی برای مؤسسات مالی است که در قالب عناصر شکلی (ساختار، قالب‌بندی و تناوب گزارش‌ها) و محتوایی (افشای کمی و کیفی ریسک) تجلی می‌یابد. تئوری‌های نمایندگی، علامت‌دهی و اقتصاد اطلاعات تبیین می‌کنند که گزارشگری مناسب به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، هزینه‌های نمایندگی و هزینه سرمایه می‌انجامد. پژوهش‌های بین‌المللی (اسکانلا و پلیزی، ۲۰۲۱؛ آچیمپانگ و الشاندیدی، ۲۰۲۱) و داخلی (رامشه و همکاران، ۱۴۰۳؛ گودرزی و همکاران، ۱۴۰۲) بر اهمیت تلفیق عناصر شکلی و محتوایی در گزارشگری تأکید داشته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که توازن بهینه میان افشای کمی و کیفی، و همچنین تعادل میان عناصر شکلی و محتوایی، اثربخشی گزارشگری را ارتقا می‌بخشد. مؤسسات پیشرو با ارائه تصویری جامع‌تر از وضعیت ریسک اعتباری خود، فراتر از الزامات حداقلی گام برداشته و به مزیت رقابتی دست می‌یابند. در نهایت، طراحی مدل جامع گزارشگری ریسک اعتباری مستلزم شناخت دقیق عناصر شکلی و محتوایی و تلفیق مناسب آنها در بستر فرهنگی، قانونی و اقتصادی هر کشور است تا بتواند به افزایش شفافیت و کارایی بازارهای مالی کمک کند. در این خصوص مطالعات تجربی متعددی وجود دارد که در ادامه بررسی شده است:

رستمی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر ریسک اعتباری بانک‌های تجاری ایران با تأکید بر عوامل خاص بانکی و کلان اقتصادی پرداختند. یافته‌های آنها نشان داد که نسبت تسهیلات غیر جاری، سرمایه بانک، نرخ رشد درآمد نفتی و رشد اعتبار از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر ریسک اعتباری بانک‌های تجاری ایران هستند. از سویی دیگر، طاهری و همکاران (۱۳۹۸) ارتباط ارزشی افشا و گزارشگری ریسک در بانک‌های عضو

⁴ Peterson et al.

⁵ Lopez-Lira

¹ Caglio et al.

² Liang & He

³ Miklaszewska

وام‌های غیرجاری مهم‌ترین شاخص در ارزیابی ریسک اعتباری هستند. و در نهایت، الشاندیدی و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهش خود تحت عنوان گزارشگری یکپارچه، افشای ریسک متنی و ارزش بازار دریافتند که پابندی مدیران به ارائه گزارش‌های یکپارچه اجباری، رابطه مثبت و معناداری با ارزش بازار دارد و گزارشگری ریسک، نقش میانجی در این ارتباط ایفا می‌کند. ناصرزاده و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی به ارزیابی تحلیلی شاخص‌های مؤثر بر ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی و متعارف پرداختند. یافته‌های آنها نشان داد که نسبت کفایت سرمایه، نسبت خالص تسهیلات از کل دارایی، لگاریتم کل دارایی، شاخص حکمرانی خوب و رشد تولید ناخالص داخلی (در حکم رشد اقتصادی) از مهم‌ترین شاخص‌های تأثیرگذار بر ریسک اعتباری هستند. از سویی دیگر، گودرزی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی به تعیین عناصر محتوای گزارش مالی یکپارچه با رویکرد اسلامی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که مرور سازمانی، ریسک‌ها و فرصت‌ها، حاکمیت و رهبری، مدل کسب و کار، عملکرد، چشم‌انداز، استراتژی و تخصیص منابع، مبنای تهیه و ارائه، و افشای اسلامی از عناصر اصلی محتوای گزارش مالی یکپارچه هستند. و در پژوهشی دیگر، طاهری (۱۴۰۲) در پژوهشی به شناسایی موانع و چالش‌های افشای ریسک در بانک‌ها پرداخت. یافته‌های وی نشان داد که ضعف‌های مقرراتی و نظارتی، نوپا بودن صنعت بانکی ایران، فقدان آموزش و تبحر در شناسایی و افشای ریسک، تحریم‌های حاکم بر نظام بانکی ایران، فقدان زیرساخت‌های لازم برای اندازه‌گیری و افشا، فقدان استراتژی، دولتی بودن و ساختارهای دولتی حاکم بر بانک، هزینه‌های افشا و فقدان سازوکار پاسخگویی مطلوب در بانک از مهم‌ترین موانع افشای ریسک در بانک‌های ایرانی هستند. بدری گمچی و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر هم‌گرایی گزارشگری به سمت چارچوب یکپارچه بر کیفیت گزارشگری مالی و تضادهای نمایندگی پرداختند. یافته‌های آنها نشان داد که گزارشگری یکپارچه سازوکاری برای افشای بهتر و بیشتر اطلاعات است که می‌تواند کیفیت گزارشگری مالی را ارتقا دهد. از سویی دیگر، کوشکی و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان "ریسک اعتباری در ابزارهای مالی اسلامی" به بررسی توزیع ریسک دارایی‌ها در مؤسسات مالی اسلامی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که ساختارهای قراردادی متفاوت در بانکداری اسلامی، نیازمند رویکردهای خاص در گزارشگری و افشای ریسک اعتباری است. و در پژوهشی دیگر، رامشه و همکاران (۱۴۰۳) با عنوان "افشای ریسک و بندهای گزارش حسابرسی در بورس اوراق بهادار تهران" دریافتند که با افزایش سطح افشا، احتمال صدور گزارش حسابرس حاوی بندهای عدم کفایت ذخایر مالیاتی، عدم وصول مطالبات،

بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند. نتایج پژوهش آنها حاکی از آن بود که افشای ریسک با قیمت و ارزش بانک دارای رابطه مثبت و معنی‌دار و با بازدهی بانک دارای رابطه منفی و معنی‌داری است. در پژوهشی دیگر دونوان و همکاران (۲۰۱۸) با عنوان "تعیین ریسک اعتباری با استفاده از افشای کیفی" به این نتیجه رسیدند که اطلاعات کیفی افشا شده در گزارش‌های مالی می‌تواند اسپردهای نرخ بهره اولیه در قراردادهای بدهی خصوصی، نقض عهدنامه‌های آتی، کاهش رتبه اعتباری آتی، پرونده‌های ورشکستگی آتی و شوک‌های منفی قیمت سهام در آینده را پیش‌بینی کند.

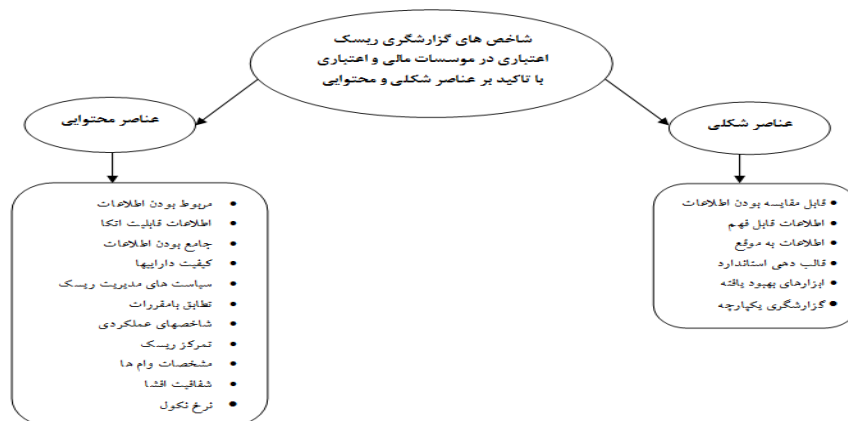
خوش خلق و طالب‌نیا (۱۴۰۰) در پژوهشی به تبیین اثر مفاهیم گزارشگری مالی بر سطح افشای ریسک در گزارشگری مالی سالانه پرداختند. یافته‌های آنها نشان داد که شاخص کیفیت گزارشگری مالی، راهبری شرکتی و کیفیت حسابرسی بر سطح افشای ریسک تأثیر معناداری دارند. از سویی دیگر، آچیمپانگ و الشاندیدی (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان "آیا اطلاعات نرم ریسک اعتباری را تعیین می‌کند؟" دریافتند که شاخص‌های نرم مانند تحلیل متنی گزارش‌ها، قدرت پیش‌بینی بالایی برای وام‌های غیرجاری، امتیاز السون، امتیاز Z آلتمن، و کاهش رتبه اعتبار دارند. و در پژوهشی دیگر اسکانلا و پولیزی (۲۰۲۱) چارچوبی برای سنجش افشای ریسک اعتباری بانک‌ها بر اساس تحلیل محتوا ارائه کردند. یافته‌های آنها نشان داد که اندازه بانک و مدل کسب‌وکار، عوامل تعیین‌کننده سطح افشای ریسک اعتباری هستند.

رحیمی (۱۴۰۱) در پژوهشی به بهینه‌سازی سبد اعتباری بانک‌ها و مؤسسات مالی در محیط پویای ریسک اعتباری پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان داد که تغییر ترکیب تسهیلات و بهینه‌سازی سبد اعتباری می‌تواند به کاهش ریسک اعتباری و افزایش بازدهی بانک‌ها و مؤسسات مالی کمک کند. از سویی دیگر، ختن‌لو و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی به ارائه مدلی برای ارزیابی گزارشگری ریسک شرکتی در ایران پرداختند. یافته‌های آنها نشان داد که بعد کیفیت افشای ریسک اهمیت بیشتری نسبت به ابعاد ساختار متن و کمیت افشای ریسک دارد و شاخص‌های پوشش، چشم‌انداز و اندازه اثر اقتصادی افشای ریسک، بیشترین وزن را به خود اختصاص داده‌اند. در پژوهشی دیگر، مرادی و همکاران (۱۴۰۱) به شناسایی الگوهای پویایی ریسک اعتباری مشتریان حقیقی بانک‌ها و مؤسسات مالی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که مدل پیشنهادی آنها در مقایسه با مدل‌های پروبیت، لاجیت، و شبکه عصبی بهتر عمل می‌کند و کارایی بالاتری دارد. که در ادامه، نایلی و لاریچی (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی عوامل تعیین‌کننده ریسک اعتباری بانک‌ها پرداختند و دریافتند که

تاییدیه‌های حسابرسی و بند فقدان اسناد و مدارک کاهش می‌یابد. در نهایت، عرفات‌جو و مائده (۲۰۲۴) در پژوهشی به اندازه‌گیری افشای ریسک اعتباری در بانک‌ها پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که برای بهبود گزارشگری ریسک اعتباری، نیاز به قالب‌های گزارش‌دهی استاندارد، ابزارهای بهبودیافته برای افشا، سیستم‌های بایگانی الکترونیکی و بهبود قابلیت مقایسه در شیوه‌های افشای ریسک اعتباری وجود دارد.

بدین ترتیب، مرور پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که موضوع گزارشگری ریسک اعتباری در مؤسسات مالی و اعتباری از ابعاد مختلف مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. پژوهش‌های داخلی و خارجی بر اهمیت شناسایی عوامل مؤثر بر ریسک اعتباری تأکید داشته‌اند. مطالعات رستمی و همکاران (۱۳۹۷)، ناصرزاده و همکاران (۱۴۰۲) و نایلی و لاریجی (۲۰۲۲) نشان داده‌اند که شاخص‌هایی مانند نسبت تسهیلات غیر جاری، سرمایه بانک، کفایت سرمایه و رشد اقتصادی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر ریسک اعتباری هستند. از سوی دیگر، پژوهش‌های طاهری و همکاران (۱۳۹۸)، خوش خلق و طالب‌نیا (۱۴۰۰)، الشاندیدی و همکاران (۲۰۲۲) و گودرزی و همکاران (۱۴۰۲) بر ارتباط میان افشای ریسک با ارزش بازار، قیمت سهام و عملکرد بانک‌ها تمرکز کرده‌اند. پژوهش‌های جدیدتر مانند آپیمپانگ و الشاندیدی (۲۰۲۱)، اسکانلا و پولیزی (۲۰۲۱) و عرفات‌جو و مائده (۲۰۲۴) به سمت استفاده از روش‌های نوین مانند تحلیل محتوا و متن‌کاوی برای سنجش کیفیت افشای ریسک اعتباری حرکت کرده‌اند. همچنین مطالعات ختن‌لو و همکاران (۱۴۰۱) و طاهری (۱۴۰۲) به موانع و چالش‌های موجود در زمینه افشای ریسک در سیستم بانکی ایران پرداخته‌اند. پژوهش‌های اخیر مانند بدری گمچی و همکاران (۱۴۰۳) و کوشکی و همکاران (۱۴۰۳) نیز بر اهمیت گزارشگری یکپارچه و ساختارهای خاص قراردادی در بانکداری اسلامی

تأکید کرده‌اند. بنابراین، نوآوری اصلی این پژوهش در ارائه یک مدل جامع و یکپارچه برای گزارشگری ریسک اعتباری است که هم عناصر شکلی و هم عناصر محتوایی را در بر می‌گیرد. در حالی که پژوهش‌های پیشین عمدتاً بر یکی از این ابعاد تمرکز داشته‌اند، این مطالعه با رویکردی جامع‌نگر، هر دو بعد را به صورت همزمان مورد بررسی قرار می‌دهد. برخلاف مطالعات قبلی که عمدتاً به ارزیابی ریسک اعتباری بر مبنای داده‌های کمی پرداخته‌اند، این پژوهش با به‌کارگیری روش‌شناسی آمیخته (کیفی-کمی)، اطلاعات غنی‌تری را از طریق مصاحبه با خبرگان و تحلیل محتوا گردآوری کرده و با داده‌های کمی حاصل از پرسشنامه تلفیق می‌کند. این رویکرد چندبعدی به درک عمیق‌تری از پیچیدگی‌های گزارشگری ریسک اعتباری منجر می‌شود. و نوآوری دیگر این پژوهش، توجه خاص به زمینه بومی و اقتضات خاص نظام بانکی ایران است. این مطالعه با بررسی و تحلیل موانع و چالش‌های ویژه گزارشگری ریسک اعتباری در محیط اقتصادی ایران، راهکارهای عملی متناسب با این محیط را ارائه می‌دهد. علاوه بر این، پژوهش حاضر به طور خاص به تفاوت‌های موجود در ساختارهای قراردادی بانکداری اسلامی توجه کرده و مدلی ارائه می‌دهد که پاسخگوی الزامات خاص گزارشگری در نظام بانکداری اسلامی باشد. همچنین با استفاده از تکنیک‌های پیشرفته تحلیل داده مانند مدل‌سازی معادلات ساختاری و روش دلفی فازی، مدلی با قابلیت اتکا و اعتبار بالا برای استفاده نهادهای نظارتی، سیاست‌گذاران و مدیران ارشد بانکی فراهم می‌کند که می‌تواند به عنوان چارچوبی استاندارد برای گزارشگری ریسک اعتباری در مؤسسات مالی و اعتباری ایران مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، براساس مرور ادبیات نظری و پیشینه پژوهش، مدل مفهومی اولیه پژوهش در شکل زیر ارائه شده است:



شکل ۱: مدل مفهومی اولیه پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف در زمره پژوهش‌های کاربردی و از لحاظ روش‌شناسی، از رویکرد پژوهش آمیخته (کیفی-کمی) استفاده می‌کند. جامعه آماری در بخش کیفی این پژوهش شامل اساتید، مدیران مالی، حسابرسان، حسابداران ارشد، و متخصصان حوزه گزارشگری مالی در ایران در سال ۱۴۰۳ است. این افراد به دلیل آگاهی و تخصص در حوزه گزارشگری مالی و حسابرسی شناسایی شدند و از نظرات آن‌ها در مرحله کیفی استفاده شد. نمونه‌گیری در بخش کیفی به صورت هدفمند و با استفاده از روش گلوله برفی انجام گرفت. برای انتخاب خبرگان، معیارهایی مشخص شامل: (۱) داشتن حداقل مدرک کارشناسی ارشد در رشته‌های حسابداری، مالی یا مدیریت، (۲) حداقل ۱۰ سال سابقه کار در حوزه مالی، بانکی یا حسابرسی، (۳) آشنایی کامل با استانداردهای گزارشگری مالی، و (۴) تجربه کار در زمینه مدیریت ریسک در مؤسسات مالی و اعتباری در نظر گرفته شد. با اعمال این معیارها، در نهایت ۱۲ نفر از خبرگان (شامل ۴ نفر از اساتید دانشگاه، ۳ نفر از مدیران مالی بانک‌ها، ۳ نفر از حسابرسان ارشد و ۲ نفر از مدیران ریسک مؤسسات مالی) انتخاب شدند. فرآیند نمونه‌گیری تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت، به طوری که پس از مصاحبه با نفر دهم، داده‌های جدید قابل توجهی به دست نیامد، اما برای اطمینان، دو مصاحبه دیگر نیز انجام شد.

جامعه آماری در بخش کمی پژوهش شامل کلیه مدیران ارشد، مدیران مالی، و حسابداران فعال در مؤسسات مالی و اعتباری و بانک‌های شهر تهران در سال ۱۴۰۳ بود. حجم نمونه بر اساس معیار کلاین (۲۰۱۱) و متناسب با روش مدل‌سازی معادلات ساختاری به تعداد ۲۰۰ نفر تعیین و با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. برای بخش کمی، با توجه به وجود ۲۷ متغیر شناسایی شده در مدل پژوهش و طبق توصیه کلاین (۲۰۱۱) مبنی بر نیاز به حداقل ۵ تا ۱۰ نمونه به ازای هر متغیر در مدل‌سازی معادلات ساختاری، حجم نمونه ۲۰۰ نفر (معادل حدود ۷.۴ نمونه به ازای هر متغیر) تعیین شد. برای اطمینان از کیفیت حجم نمونه و جبران احتمال عدم بازگشت یا تکمیل ناقص پرسشنامه‌ها، تعداد ۲۴۰ پرسشنامه بین اعضای جامعه آماری توزیع شد که در نهایت ۲۰۷ پرسشنامه قابل استفاده برای تحلیل جمع‌آوری گردید.

در بخش کیفی، داده‌ها عمدتاً از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته گردآوری شد. مصاحبه‌ها به صورت حضوری، تلفنی، یا از طریق ایمیل انجام شدند و بخش‌هایی از آن‌ها با کسب رضایت مصاحبه‌شوندگان ضبط شد. سپس، تمامی مصاحبه‌ها پیاده‌سازی شدند و داده‌های حاصل از آن‌ها به‌طور

دقیق تحلیل و ترکیب شدند. در نهایت، پس از شکل‌گیری مدل نظری، مدل طراحی‌شده به شرکت‌کنندگان ارائه شد تا تغییرات، اصلاحات، و حذف‌های احتمالی مورد نظر آن‌ها اعمال شود.

مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با استفاده از پروتکل مصاحبه‌ای متشکل از ۱۵ سؤال اصلی و چندین سؤال پیگیری انجام شد. این سؤالات بر اساس مرور ادبیات و پیشینه پژوهش طراحی شده و قبل از اجرا، روایی محتوایی آن‌ها توسط سه تن از اساتید حسابداری مورد تأیید قرار گرفت. طول مدت هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۹۰ دقیقه متغیر بود. تمامی مصاحبه‌ها با رضایت مشارکت‌کنندگان ضبط و سپس کلمه به کلمه پیاده‌سازی شد. برای اطمینان از صحت داده‌های پیاده‌سازی شده، متن مصاحبه‌ها به مصاحبه‌شوندگان ارائه شد تا نظرات اصلاحی خود را ارائه دهند (اعتباریابی توسط مشارکت‌کنندگان). در بخش کمی، داده‌ها از طریق پرسشنامه گردآوری شدند. روایی صوری پرسشنامه با نظر ۱۰ نفر از خبرگان حوزه گزارشگری مالی بررسی شد.

پرسشنامه پژوهش بر اساس یافته‌های بخش کیفی و در قالب ۲۷ گویه طراحی شد. هر گویه بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (از کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۵) تنظیم گردید. روایی محتوایی پرسشنامه با استفاده از شاخص CVI و CVR مورد سنجش قرار گرفت. نسبت روایی محتوایی (CVR) برای تمامی گویه‌ها بالاتر از ۰.۶۲ (مقدار بحرانی برای ۱۰ متخصص) و شاخص روایی محتوایی (CVI) برای کل پرسشنامه برابر با ۰.۸۶ بود که نشان‌دهنده روایی محتوایی مناسب ابزار است. همچنین برای ارزیابی پایایی پرسشنامه، یک مطالعه پایلوت با ۳۰ نفر از اعضای جامعه آماری انجام شد و ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰.۹۱ و برای ابعاد مختلف آن بین ۰.۷۸ تا ۰.۸۸ به دست آمد که بیانگر پایایی بالای ابزار پژوهش است.

در بخش کیفی، از روش تحلیل محتوا برای تحلیل داده‌ها و استخراج مقوله‌های اصلی و فرعی استفاده شد. برای این منظور، کدگذاری داده‌ها از اهمیت بالایی برخوردار بود و این فرآیند با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA 11 انجام شد تا دقت و کارایی تحلیل افزایش یابد.

فرآیند تحلیل محتوا با استفاده از رویکرد کدگذاری سه مرحله‌ای کوربین و اشتراوس (۱۹۹۰) انجام شد. در مرحله کدگذاری باز، متون مصاحبه‌ها خط به خط بررسی و مفاهیم اولیه استخراج گردید. در مرحله کدگذاری محوری، ارتباط بین مفاهیم مختلف شناسایی و مقولات فرعی و اصلی شکل گرفت. در مرحله کدگذاری انتخابی، ارتباط بین مقولات مشخص و مدل نهایی تدوین شد. برای افزایش دقت و کاهش خطاهای انسانی در فرآیند کدگذاری، از نرم‌افزار MAXQDA 11 استفاده شد که

در بخش کمی، استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس می‌تواند تعمیم‌پذیری یافته‌ها را با محدودیت مواجه سازد. همچنین، محدود بودن جامعه آماری به مؤسسات مالی و بانک‌های شهر تهران، امکان تعمیم نتایج به سایر شهرها و مناطق کشور را با احتیاط همراه می‌کند. محدودیت دیگر، استفاده از پرسشنامه خودگزارشی بود که ممکن است پاسخ‌دهندگان از ارائه پاسخ‌های واقعی خودداری کرده و پاسخ‌های مطلوب اجتماعی ارائه داده باشند. علاوه بر این، ماهیت مقطعی پژوهش امکان بررسی روابط علی بین متغیرها را محدود می‌سازد و برای درک بهتر این روابط، نیاز به مطالعات طولی در آینده است.

برای کاهش اثر این محدودیت‌ها، اقداماتی نظیر اطمینان‌دهی به پاسخ‌دهندگان در خصوص محرمانه ماندن اطلاعات، استفاده از روش‌های متنوع جمع‌آوری داده، و به‌کارگیری روش‌های آماری مناسب برای کنترل متغیرهای مداخله‌گر انجام شد. با این حال، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، از روش‌های نمونه‌گیری احتمالی، جامعه آماری گسترده‌تر و طرح‌های پژوهشی طولی استفاده شود تا محدودیت‌های موجود در این پژوهش برطرف گردد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

جدول ۱ اطلاعات جمعیت‌شناختی مربوط به خبرگان شرکت‌کننده در بخش کیفی پژوهش حاضر را نشان می‌دهد. این اطلاعات شامل توزیع فراوانی و درصدی مشارکت‌کنندگان بر اساس متغیرهای جنسیت، سن، تحصیلات و سابقه کاری است که می‌تواند به درک بهتر ویژگی‌های گروه خبرگان و تخصص آنها کمک کند.

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، از مجموع ۱۲ نفر خبره مشارکت‌کننده در پژوهش، سه‌چهارم آنها (۷۵ درصد) را مردان و یک‌چهارم (۲۵ درصد) را زنان تشکیل داده‌اند. از نظر توزیع سنی، اکثریت خبرگان (حدود ۵۸.۳ درصد) در بازه سنی ۳۵ تا ۵۰ سال قرار دارند که نشان‌دهنده برخورداری از تجربه کافی همراه با دانش به‌روز است. بیشتر خبرگان (۶۶.۶ درصد) دارای مدرک تحصیلی دکتری هستند که بیانگر سطح علمی بالای مشارکت‌کنندگان می‌باشد. همچنین از نظر سابقه کاری، ۹۱.۶ درصد از خبرگان دارای تجربه کاری بیش از ۱۰ سال هستند که نیمی از کل گروه (۵۰ درصد) بین ۱۰ تا ۲۰ سال و ۴۱.۶ درصد بیش از ۲۰ سال سابقه کاری دارند.

امکان سازماندهی کدها، طبقه‌بندی آن‌ها و ترسیم شبکه ارتباطی بین مفاهیم را فراهم می‌کند. برای ارزیابی اعتبار یافته‌های کیفی، از روش‌های مثلث‌سازی داده‌ها (استفاده از منابع مختلف اطلاعاتی)، بازبینی توسط اعضا (ارائه یافته‌ها به مشارکت‌کنندگان برای تأیید) و بررسی توسط همکاران پژوهش استفاده شد. ضریب کاپای کوهن برای ارزیابی توافق بین کدگذاران برابر با ۰.۸۱ بود که نشان‌دهنده توافق قوی و قابل قبول است.

در بخش کمی، پژوهش از روش توصیفی-پیمایشی بهره گرفت. برای ارزیابی پایایی مدل طراحی‌شده، شاخص کاپا محاسبه شد. سپس، تحلیل داده‌ها با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام شد.

در بخش کمی، پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، داده‌ها وارد نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ شد و پس از بررسی داده‌های پرت و گمشده، تحلیل‌های توصیفی (میانگین، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی) انجام گرفت. سپس برای آزمون مدل مفهومی پژوهش، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی (PLS) در نرم‌افزار Smart-PLS نسخه ۳.۳.۳ استفاده شد. انتخاب این رویکرد به دلیل توانایی آن در تحلیل نمونه‌های با حجم متوسط، عدم نیاز به نرمال بودن توزیع داده‌ها و قابلیت آزمون مدل‌های پیچیده با تعداد زیاد متغیر بود. در فرآیند تحلیل، ابتدا مدل اندازه‌گیری با استفاده از شاخص‌های پایایی ترکیبی (CR)، آلفای کرونباخ، میانگین واریانس استخراج شده (AVE) و روایی واگرا (معیار فورنل-لارکر) ارزیابی شد. سپس مدل ساختاری با استفاده از شاخص‌های ضریب تعیین (R^2)، شاخص افزونگی (Q^2)، ضرایب مسیر و معناداری آن‌ها (آماره t مورد بررسی قرار گرفت. برای آزمون معناداری ضرایب مسیر، از روش بوت‌استرپ با ۵۰۰۰ بار نمونه‌گیری مجدد استفاده شد.

محدودیت‌های روش‌شناسی پژوهش

در انجام این پژوهش با محدودیت‌هایی روبرو بودیم که باید در تفسیر یافته‌ها مورد توجه قرار گیرند. در بخش کیفی، عدم تمایل برخی از خبرگان به شرکت در مصاحبه‌های طولانی، دشواری هماهنگی زمان مصاحبه با مدیران ارشد بانک‌ها و مؤسسات مالی، و محدودیت دسترسی به برخی از متخصصان خارج از تهران از جمله موانع بود. همچنین، احتمال سوگیری پژوهشگر در فرآیند کدگذاری و تفسیر متن مصاحبه‌ها وجود داشت که تلاش شد با استفاده از روش‌های اعتباریابی مانند بازبینی توسط اعضا و کدگذاری مجدد توسط همکار پژوهش، این سوگیری به حداقل برسد.

جدول ۱: تعداد و مشخصات اعضای خبرگان

متغیر	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۹
	زن	۳
سن	۳۵ سال	۲
	بین ۳۵ تا ۵۰ سال	۷
	بالاتر از ۵۰ سال	۳
تحصیلات	کارشناسی ارشد	۴
	دکتری	۸
سابقه کاری	کمتر از ۱۰ سال	۱
	بین ۱۰ تا ۲۰ سال	۶
	بیش از ۲۰ سال	۵

مأخذ: محاسبات پژوهش

مفاهیم نشان می‌دهد که کیفیت افشای اطلاعات مربوط به ریسک اعتباری باید از ویژگی‌های کیفی مطلوب برخوردار باشد تا بتواند برای استفاده‌کنندگان مفید واقع شود. محققانی مانند ناپلی و لاریچی (۲۰۲۲)، آپچیمپانگ و الشاندیدی (۲۰۲۱) و ژانگ و همکاران (۲۰۲۰) بر اهمیت این ویژگی‌های کیفی تأکید کرده‌اند. دسته دوم مربوط به اطلاعات کمی و ماهیت اعتبارات است که مفاهیمی چون "مانده اعتبار"، "مبالغ سررسید مربوط به هر دسته از اعتبارات"، "کمک هزینه‌های خاص"، "تغییرات در ذخایر کاهش ارزش اعتبار"، "عناصر اعتباری تجدید ساختار شده در طول سال"، "درآمدها، سود خالص و بازده دارایی" و "مشخصات وام‌ها" را شامل می‌شود. این مفاهیم بیانگر اهمیت افشای اطلاعات عینی و قابل سنجش در مورد ماهیت و وضعیت اعتبارات است که می‌تواند دیدگاه کاملی از وضعیت ریسک اعتباری سازمان ارائه دهد. منابعی مانند ختن‌لو و همکاران (۱۴۰۱)، اسکانلا و پلیزی (۲۰۱۹)، و طاهری (۱۴۰۲) به اهمیت این نوع اطلاعات پرداخته‌اند.

دسته سوم شامل شاخص‌های ریسک و عملکرد است که مفاهیمی چون "کیفیت دارایی‌ها"، "نرخ نکول"، "تمرکز ریسک"، "شاخص‌های عملکردی" و "میزان سرمایه کافی برای پوشش ریسک اعتباری" را در بر می‌گیرد. این مفاهیم نشان‌دهنده اهمیت افشای معیارهای کمی برای ارزیابی میزان ریسک اعتباری و عملکرد سازمان در مدیریت این ریسک است. این شاخص‌ها به سرمایه‌گذاران و ذینفعان کمک می‌کند تا تصویر روشنی از وضعیت ریسک سازمان داشته باشند. پژوهش‌های محققانی مانند آپچیمپانگ و الشاندیدی (۲۰۲۱)، ختن‌لو و همکاران (۱۴۰۱) و دنوان و همکاران (۲۰۲۱) اهمیت این شاخص‌ها را تأیید می‌کند.

دسته چهارم مربوط به سیاست‌ها و رویه‌های مدیریت ریسک است که شامل مفاهیمی چون "سیاست‌ها و خط مشی‌های مدیریت ریسک اعتباری"، "تطابق با مقررات"، "سیاست‌های مدیریت ریسک"، "سیاست‌های مالی"، "مفروضات کلیدی مورد استفاده"، "تکنیک‌ها و روش‌های مدیریت سررسید گذشته و دارایی‌های کاهش یافته" و "شیوه‌ها و روش‌های حسابداری" می‌شود. این دسته از مفاهیم بر اهمیت افشای اطلاعات کیفی در مورد چگونگی مدیریت ریسک اعتباری توسط سازمان تأکید دارد. افشای این اطلاعات به ذینفعان کمک می‌کند تا درک عمیق‌تری از رویکرد سازمان در شناسایی، اندازه‌گیری و مدیریت ریسک اعتباری داشته باشند. پژوهشگرانی مانند اسکانلا و پلیزی (۲۰۱۹)، طاهری (۱۴۰۲) و ناصرزاده و همکاران (۱۴۰۲) بر اهمیت افشای این نوع اطلاعات تأکید کرده‌اند.

ترکیب خبرگان انتخاب‌شده برای این مطالعه نشان‌دهنده توازن مناسبی از نظر تجربه، تخصص و دانش علمی است. حضور افراد با سابقه کاری قابل توجه (بیش از ۹۱ درصد با سابقه بالای ۱۰ سال) همراه با سطح تحصیلات عالی (۱۰۰ درصد دارای تحصیلات تکمیلی) نشان می‌دهد که نظرات و دیدگاه‌های جمع‌آوری شده از این گروه می‌تواند از اعتبار بالایی برخوردار باشد. همچنین توزیع سنی متعادل با تمرکز بر گروه میان‌سال (۳۵ تا ۵۰ سال) به همراه حضور افراد با تجربه‌تر (بالای ۵۰ سال) و نیروهای جوان‌تر (زیر ۳۵ سال)، امکان بهره‌مندی از طیف متنوعی از دیدگاه‌ها را فراهم ساخته است که این امر می‌تواند به غنای یافته‌های بخش کیفی پژوهش کمک شایانی نماید.

نتایج کدگذاری باز برای شناسایی عناصر افشای ریسک اعتباری

جدول ۲ نتایج حاصل از فرایند کدگذاری باز را در پژوهش حاضر نشان می‌دهد که با هدف شناسایی مفاهیم کلیدی مرتبط با افشای ریسک اعتباری صورت گرفته است. در این جدول، ۲۷ مفهوم اصلی استخراج شده از داده‌های کیفی همراه با منابع علمی پشتیبان آنها ارائه شده است. این مفاهیم حاصل تحلیل دقیق مصاحبه‌های انجام شده با خبرگان و بررسی متون تخصصی مرتبط می‌باشد که کوچک‌ترین واحدهای معنایی قابل استخراج از داده‌های کیفی را تشکیل می‌دهند.

در بررسی مفاهیم شناسایی شده، می‌توان آنها را در چند دسته کلی طبقه‌بندی نمود. دسته اول مربوط به کیفیت اطلاعات افشا شده است که شامل مفاهیمی چون "مربوط بودن"، "قابلیت اتکا"، "جامع بودن اطلاعات"، "قابل مقایسه بودن اطلاعات"، "اطلاعات قابل فهم" و "اطلاعات به موقع" می‌باشد. این گروه از

جدول ۲. نتایج حاصل از مرحله کدگذاری باز تدوین و توصیف مقوله‌ها

ردیف	مفهوم	منبع
۱	مربوط بودن	نایلی و لاریچی، ۲۰۲۲؛ دنوان و همکاران، ۲۰۲۱
۲	قابلیت اتکا	آچیمپانگ و الشاندیدی، ۲۰۲۱؛ کوشکی و همکاران، ۱۴۰۳
۳	جامع بودن اطلاعات	ژانگ و همکاران، ۲۰۲۰
۴	مانده اعتبار	ختن لو و همکاران، ۱۴۰۱
۵	مبالغ سررسید مربوط به هر دسته از اعتبارات	اسکانلا و پلیزی، ۲۰۱۹؛ دنوان و همکاران، ۲۰۱۸
۶	کمک هزینه های خاص	طاهری، ۱۴۰۲؛ لیانگ و هی، ۲۰۲۰؛ کاگیلو و همکاران، ۲۰۲۰
۷	تغییرات در ذخایر کاهش ارزش اعتبار	ناصرزاده و همکاران، ۱۴۰۲؛ ژانگ و همکاران، ۲۰۱۸؛ رستمی و همکاران، ۱۳۹۷
۸	عناصر اعتباری تجدید ساختار شده در طول سال	ژانگ و همکاران، ۲۰۲۰
۹	درآمدها، سود خالص و بازده دارایی	طاهری، ۱۴۰۲؛ لیانگ و هی، ۲۰۲۰؛ کاگیلو و همکاران، ۲۰۲۰
۱۰	مشخصات وام‌ها	نایلی و لاریچی، ۲۰۲۲؛ دنوان و همکاران، ۲۰۲۱
۱۱	کیفیت دارایی‌ها	آچیمپانگ و الشاندیدی، ۲۰۲۱؛ کوشکی و همکاران، ۱۴۰۳
۱۲	نرخ نکول	ژانگ و همکاران، ۲۰۲۰
۱۳	تمرکز ریسک	ختن لو و همکاران، ۱۴۰۱
۱۴	سیاستها و خط مشیهای مدیریت ریسک اعتباری	اسکانلا و پلیزی، ۲۰۱۹؛ دنوان و همکاران، ۲۰۱۸
۱۵	تطابق با مقررات	طاهری، ۱۴۰۲؛ لیانگ و هی، ۲۰۲۰؛ کاگیلو و همکاران، ۲۰۲۰
۱۶	شاخص‌های عملکردی	ناصرزاده و همکاران، ۱۴۰۲؛ ژانگ و همکاران، ۲۰۱۸؛
۱۷	نرخ نکول	آچیمپانگ و الشاندیدی، ۲۰۲۱
۱۸	تمرکز ریسک	ختن لو و همکاران، ۱۴۰۱
۱۹	سیاست‌های مدیریت ریسک	اسکانلا و پلیزی، ۲۰۱۹؛ دنوان و همکاران، ۲۰۱۸
۲۰	میزان سرمایه کافی برای پوشش ریسک اعتباری	دنوان و همکاران، ۲۰۲۱
۲۱	قابل مقایسه بودن اطلاعات	آچیمپانگ و الشاندیدی، ۲۰۲۱؛
۲۲	اطلاعات قابل فهم	ژانگ و همکاران، ۲۰۲۰
۲۳	اطلاعات به موقع	ختن لو و همکاران، ۱۴۰۱
۲۴	سیاستهای مالی	دنوان و همکاران، ۲۰۱۸
۲۵	مفروضات کلیدی مورد استفاده	طاهری، ۱۴۰۲؛ لیانگ و هی، ۲۰۲۰؛
۲۶	تکنیک‌ها و روش‌های مدیریت سررسید گذشته و دارایی‌های کاهش یافته	ناصرزاده و همکاران، ۱۴۰۲؛ ژانگ و همکاران، ۲۰۱۸؛
۷۲۷	شیوه‌ها و روش‌های حسابداری	ژانگ و همکاران، ۲۰۲۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نشان‌دهنده اعتبار و پشتوانه علمی مفاهیم شناسایی شده است که می‌تواند به تقویت اعتبار یافته‌های پژوهش کمک کند.

تحلیل نتایج کدگذاری محوری عناصر افشای ریسک اعتباری

جدول ۳ نتایج حاصل از فرایند کدگذاری محوری پژوهش را نشان می‌دهد که طی آن، ۲۷ مفهوم اولیه شناسایی شده در مرحله کدگذاری باز، در قالب دو مقوله اصلی "عناصر محتوایی" و "عناصر شکلی" دسته‌بندی شده‌اند. این طبقه‌بندی بر اساس

نتایج کدگذاری باز نشان می‌دهد که افشای مطلوب ریسک اعتباری مستلزم ارائه طیف گسترده‌ای از اطلاعات کمی و کیفی است که هم جنبه‌های عینی وضعیت ریسک اعتباری سازمان را منعکس کند و هم رویکردهای مدیریتی سازمان در قبال این ریسک را تشریح نماید. ترکیب متوازن این چهار دسته از مفاهیم می‌تواند چارچوبی جامع برای افشای ریسک اعتباری فراهم آورد که نیازهای اطلاعاتی تمامی ذینفعان را پوشش دهد. همچنین، استناد به منابع متعدد داخلی و خارجی برای هر مفهوم

می‌شود و اطلاعات کمی خاص مانند "مانده اعتبار"، "مبالغ سررسید مربوط به هر دسته از اعتبارات" و "تغییرات در ذخایر کاهش ارزش اعتبار" را در بر می‌گیرد. این گستره وسیع نشان می‌دهد که افشای مؤثر ریسک اعتباری نیازمند ارائه اطلاعات متنوعی است که بتواند تصویر جامعی از وضعیت ریسک اعتباری سازمان به ذینفعان ارائه دهد. وجود مفاهیمی مانند "کیفیت دارایی‌ها"، "نرخ نکول"، "تمرکز ریسک" و "سیاست‌های مدیریت ریسک" در این مقوله نشان می‌دهد که افشای ریسک اعتباری باید هم شامل شاخص‌های عملکردی باشد و هم رویکردهای مدیریتی سازمان در قبال این ریسک را تشریح نماید.

ماهیت و کارکرد هر یک از مفاهیم در چارچوب افشای ریسک اعتباری انجام شده است. کدگذاری محوری گامی مهم در تحلیل داده‌های کیفی است که به پژوهشگر کمک می‌کند تا با خوشه‌بندی مفاهیم مشابه، الگوهای کلان‌تر را شناسایی کرده و روابط میان مفاهیم را بهتر درک نماید.

مقوله اول، "عناصر محتوایی"، با ۲۰ مفهوم، بیشترین فراوانی را در میان مقوله‌های شناسایی شده دارد. این مقوله به ماهیت و محتوای اطلاعاتی می‌پردازد که در افشای ریسک اعتباری باید مورد توجه قرار گیرد. عناصر محتوایی شامل طیف گسترده‌ای از مفاهیم است که از ویژگی‌های کیفی اطلاعات مانند "مربوط بودن"، "قابلیت اتکا" و "جامع بودن اطلاعات" آغاز

جدول ۳. نتایج حاصل از مرحله کدگذاری محوری و تدوین و توصیف مقوله‌ها

مفهوم	مقوله	ردیف
مربوط بودن	عناصر محتوایی	۱
قابلیت اتکا		
جامع بودن اطلاعات		
مانده اعتبار		
مبالغ سررسید مربوط به هر دسته از اعتبارات		
کمک هزینه های خاص		
تغییرات در ذخایر کاهش ارزش اعتبار		
عناصر اعتباری تجدید ساختار شده در طول سال		
درآمدها، سود خالص و بازده دارایی		
مشخصات وام‌ها		
کیفیت دارایی‌ها		
نرخ نکول		
تمرکز ریسک		
سیاستها و خط مشیهای مدیریت ریسک اعتباری		
تطابق با مقررات		
شاخص‌های عملکردی		
نرخ نکول		
تمرکز ریسک		
سیاست‌های مدیریت ریسک		
میزان سرمایه کافی برای پوشش ریسک اعتباری		
قابل مقایسه بودن اطلاعات		
اطلاعات قابل فهم		
اطلاعات به موقع		
سیاستها و روشهای حسابداری مورد استفاده		
مفروضات کلیدی مورد استفاده		
تکنیک ها و روش های مدیریت سررسید گذشته و دارایی های کاهش یافته		
سیاست ها، شیوه ها و روش های حسابداری		

مأخذ: محاسبات پژوهش

روند طبقه‌بندی مفاهیم در این دو مقوله اصلی می‌تواند مبنای توسعه یک چارچوب جامع برای افشای ریسک اعتباری قرار گیرد. چنین چارچوبی باید هم به عناصر محتوایی که "چه چیزی" باید افشا شود را مشخص می‌کنند توجه داشته باشد و هم عناصر شکلی که به "چگونگی" افشا می‌پردازند را مد نظر قرار دهد. این نگاه دویعدی می‌تواند به سازمان‌ها کمک کند تا رویکردی متوازن در افشای ریسک اعتباری در پیش بگیرند و از این طریق، نیازهای اطلاعاتی ذینفعان را به شکل مؤثرتری برآورده سازند. در نهایت، یافته‌های حاصل از کدگذاری محوری می‌تواند زمینه را برای مرحله بعدی تحلیل، یعنی کدگذاری انتخابی، فراهم آورد که طی آن، رابطه میان مقوله‌های شناسایی شده تبیین می‌شود و مدل نهایی پژوهش شکل می‌گیرد.

برای سنجش پایایی مدل طراحی شده در پژوهش حاضر، از شاخص کاپای کوهن استفاده شد. این شاخص یکی از معتبرترین روش‌های ارزیابی میزان توافق بین کدگذاران است که اعتبار فرآیند کدگذاری و طبقه‌بندی در پژوهش‌های کیفی را مورد سنجش قرار می‌دهد. بدین منظور، فردی متخصص در حوزه گزارشگری مالی که از نحوه ادغام کدها و مفاهیم ایجاد شده توسط پژوهشگر اصلی اطلاعی نداشت، به صورت مستقل اقدام به دسته‌بندی کدها در مفاهیم کرد. سپس ضریب توافق کاپا بین دسته‌بندی‌های انجام شده توسط پژوهشگر اصلی و این متخصص محاسبه گردید. نتایج محاسبه ضریب کاپا در جدول ۴ ارائه شده است.

نتایج آزمون ضریب توافق کاپای کوهن نشان می‌دهد که میزان توافق بین کدگذاران با مقدار 0.901 در سطح بسیار بالایی قرار دارد. این ضریب که از نظر آماری معنادار است ($z=10.356$)، $p<0.001$ ، نشان‌دهنده توافق "تقریباً کامل" بین ارزیابان است. فاصله اطمینان 95% برای ضریب کاپا بین 0.731 تا 0.971 قرار دارد که حتی در پایین‌ترین حد آن، همچنان توافق قوی را نشان می‌دهد. درصد توافق مشاهده شده برابر با 92.6% است که بسیار بالاتر از توافق مورد انتظار تصادفی (26.7%) می‌باشد و این تأییدی بر معناداری نتایج است.

علاوه بر ضریب کاپای کوهن، سایر شاخص‌های پایایی نیز مؤید اعتبار بالای کدگذاری هستند. ضریب پایایی اسکات (Pi) با مقدار 0.887 و ضریب توافق گوادت (AC1) با مقدار 0.918 ، هر دو در سطح معناداری $p<0.001$ ، توافق بالا را تأیید می‌کنند. ضریب گوادت که معمولاً در مواردی با توزیع نامتوازن کدها قابل اعتمادتر است، حتی مقدار بالاتری نسبت به کاپای کوهن نشان می‌دهد (0.918 در مقابل 0.901) که این امر پایایی فرآیند کدگذاری را از منظری دیگر تقویت می‌کند.

نکته قابل توجه در مقوله عناصر محتوایی، تکرار برخی مفاهیم مانند "نرخ نکول" و "تمرکز ریسک" است که نشان‌دهنده اهمیت ویژه این مفاهیم از دیدگاه خبرگان می‌باشد. این تکرار می‌تواند بیانگر این باشد که این شاخص‌ها از جنبه‌های مختلف و توسط منابع متعدد مورد تأکید قرار گرفته‌اند. همچنین، حضور مفاهیمی مانند "درآمدها، سود خالص و بازده دارایی" و "شاخص‌های عملکردی" در کنار مفاهیم مرتبط با ریسک، نشان می‌دهد که افشای ریسک اعتباری باید در بستری از عملکرد کلی سازمان صورت گیرد تا استفاده‌کنندگان بتوانند ارتباط میان ریسک و بازده را به درستی ارزیابی کنند. مفهوم "میزان سرمایه کافی برای پوشش ریسک اعتباری" نیز به این نکته اشاره دارد که سازمان‌ها باید نه تنها ریسک‌های خود را افشا کنند، بلکه باید اطلاعاتی در مورد توانایی خود برای مقابله با این ریسک‌ها نیز ارائه دهند.

مقوله دوم، "عناصر شکلی"، با ۷ مفهوم، به جنبه‌های شکلی و رویه‌ای افشای ریسک اعتباری می‌پردازد. این مقوله شامل ویژگی‌های کیفی ارائه اطلاعات مانند "قابل مقایسه بودن اطلاعات"، "اطلاعات قابل فهم" و "اطلاعات به موقع" است که نشان می‌دهد صرف افشای محتوای مناسب کافی نیست، بلکه شیوه ارائه این اطلاعات نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. این ویژگی‌های شکلی می‌توانند به افزایش کارآمدی افشای اطلاعات و قابلیت استفاده از آنها توسط ذینفعان کمک کنند. همچنین، مفاهیم دیگری مانند "سیاست‌ها و روش‌های حسابداری مورد استفاده"، "مفروضات کلیدی مورد استفاده" و "تکنیک‌ها و روش‌های مدیریت سررسید گذشته و دارایی‌های کاهش یافته" بیانگر اهمیت شفافیت در مورد روش‌شناسی و رویکردهای مورد استفاده در شناسایی، اندازه‌گیری و گزارشگری ریسک اعتباری است.

تفکیک مفاهیم به دو مقوله "عناصر محتوایی" و "عناصر شکلی" نشان‌دهنده این است که افشای اثربخش ریسک اعتباری مستلزم توجه همزمان به "چه چیزی" افشا می‌شود (محتوا) و "چگونه" این افشا صورت می‌گیرد (شکل) است. این دو بُعد مکمل یکدیگر هستند و نادیده گرفتن هر یک می‌تواند کارایی کل فرایند افشا را کاهش دهد. نسبت قابل توجه مفاهیم در مقوله عناصر محتوایی (۲۰ مفهوم) در مقایسه با عناصر شکلی (۷ مفهوم) نشان‌دهنده تمرکز بیشتر ادبیات موجود و دیدگاه خبرگان بر ماهیت اطلاعات افشا شده است. با این حال، حضور عناصر شکلی به عنوان یک مقوله مستقل، بیانگر اهمیت این بُعد در چارچوب افشای ریسک اعتباری است که نباید نادیده گرفته شود.

جدول ۴. نتایج آزمون ضریب توافق کاپای کوهن و سایر شاخص‌های پایایی

معیار	ارزش	خطای استاندارد	z مقدار آماره	سطح معناداری
ضریب کاپا (Cohen's Kappa)	0.901	0.087	10.356	0.000
فاصله اطمینان ۹۵٪ برای کاپا	[0.731۰۹۷۱]	-	-	-
درصد توافق مشاهده شده	92.6%	-	-	-
درصد توافق مورد انتظار	26.7%	-	-	-
ضریب پایایی اسکات (Scott's Pi)	0.887	0.091	9.747	0.000
ضریب توافق گوات (Gwet's AC1)	0.918	0.076	12.079	0.000
تعداد مقوله‌های اصلی	2	-	-	-
تعداد کل کدهای اولیه	27	-	-	-
تعداد موارد توافق	25	-	-	-
تعداد موارد عدم توافق	2	-	-	-

مأخذ: یافته‌های پژوهش

به بیان دیگر، نتایج به دست آمده تأیید می‌کند که دسته‌بندی انجام شده توسط پژوهشگر تا حد زیادی عینی و قابل تکرار بوده و کمتر تحت تأثیر سوگیری‌های شخصی قرار گرفته است.

با توجه به نتایج جدول ۶ و مقایسه ضریب کاپای ۰.۹۰۱ با طبقات توافق، مشخص می‌شود که میزان توافق بین کدگذاران در سطح "عالی" قرار دارد. این امر بیانگر هماهنگی و سازگاری بسیار بالا بین دیدگاه پژوهشگر اصلی و متخصص مستقل در خصوص نحوه دسته‌بندی کدها و مفاهیم است. به عبارت دیگر، از مجموع ۲۷ کد اولیه، تنها در مورد ۲ کد اختلاف نظر وجود داشته و در ۲۵ مورد دیگر، توافق کامل بین کدگذاران مشاهده شده است. بنابراین، این میزان توافق بالا، شاهدهی بر پایایی و اعتبار فرآیند کدگذاری و طبقه‌بندی در پژوهش حاضر است و نشان می‌دهد که مدل طراحی شده از قابلیت اطمینان بالایی برخوردار است. به بیان دیگر، نتایج به دست آمده تأیید می‌کند که دسته‌بندی انجام شده تا حد زیادی عینی و قابل تکرار بوده و کمتر تحت تأثیر سوگیری‌های شخصی قرار گرفته است.

در نهایت مرحله کدگذاری انتخابی با در نظر گرفتن کدگذاری باز و محوری و برقراری رابطه بین مقوله‌ها به ارائه نظریه در قالب ... می‌پردازد. بنابراین الگوی نهایی پژوهش به صورت شکل ۲ به دست آمد.

از مجموع ۲۷ کد اولیه شناسایی شده در دو مقوله اصلی، کدگذاران در ۲۵ مورد توافق داشته‌اند و تنها در ۲ مورد عدم توافق مشاهده می‌شود. این نسبت توافق (حدود ۹۲.۶٪) نشان‌دهنده اتفاق نظر قابل توجه بین کدگذاران است. با توجه به اینکه معمولاً در پژوهش‌های کیفی، ضریب کاپای بالاتر از ۰.۷۵ نشان‌دهنده توافق عالی محسوب می‌شود، می‌توان اذعان داشت که فرآیند کدگذاری در این پژوهش از قابلیت اعتماد بسیار بالایی برخوردار بوده و نتایج حاصل از تحلیل محتوای کیفی از پایایی قابل قبولی برخوردار است.

همانطور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، مقدار ضریب کاپا برای توافق بین دو کدگذار در دسته‌بندی ۲۷ کد اولیه در قالب ۲ مقوله اصلی (عناصر محتوایی و عناصر شکلی)، برابر با ۰.۹۰۱ محاسبه شده است. با توجه به سطح معناداری ۰.۰۰۰ که کمتر از ۰.۰۵ است، می‌توان گفت این ضریب توافق از نظر آماری معنادار می‌باشد. خطای استاندارد ۰.۰۸۷ نیز نشان‌دهنده دقت مناسب در برآورد این ضریب است.

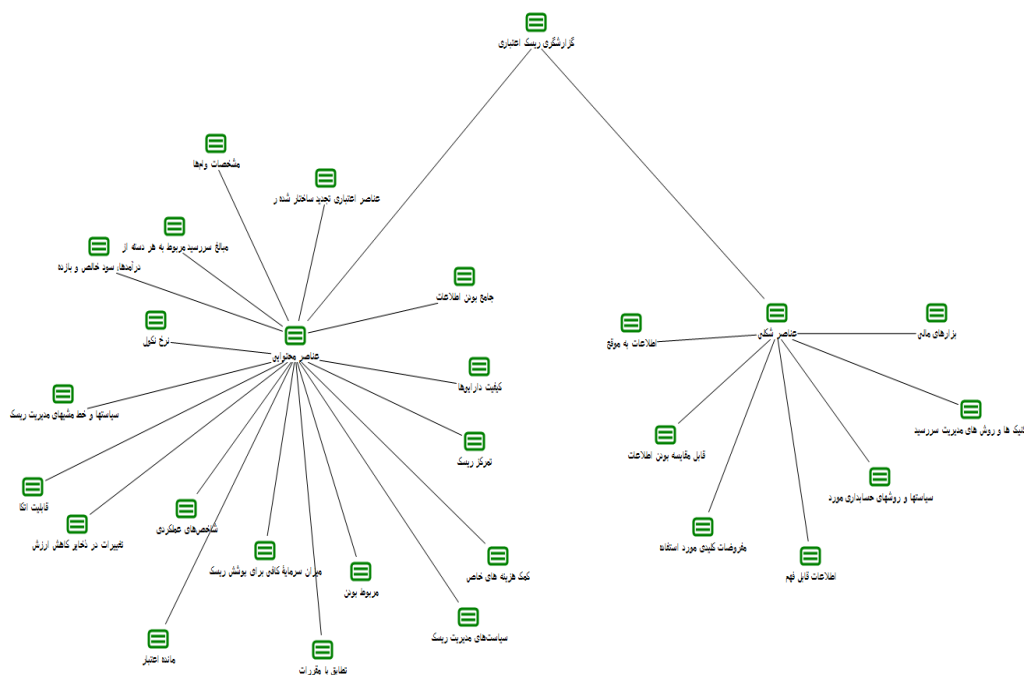
با مراجعه به جدول ۶ و مقایسه ضریب کاپای ۰.۹۰۱ با طبقات توافق، مشخص می‌شود که میزان توافق بین کدگذاران در سطح "عالی" قرار دارد. این امر بیانگر هماهنگی و سازگاری بسیار بالا بین دیدگاه پژوهشگر اصلی و متخصص مستقل در خصوص نحوه دسته‌بندی کدها و مفاهیم است. به عبارت دیگر، از مجموع ۲۷ کد اولیه، تنها در مورد ۲ کد اختلاف نظر وجود داشته و در ۲۵ مورد دیگر، توافق کامل بین کدگذاران مشاهده شده است.

این میزان توافق بالا، شاهدهی بر پایایی و اعتبار فرآیند کدگذاری و طبقه‌بندی در پژوهش حاضر است و نشان می‌دهد که مدل طراحی شده از قابلیت اطمینان بالایی برخوردار است.

جدول ۵. طبقه‌بندی وضعیت توافق بر اساس ضریب کاپا

تفسیر	وضعیت توافق	مقدار عددی شاخص کاپا
توافق کمتر از شانس تصادفی	ضعیف	کمتر از ۰
توافق جزئی و قابل چشم‌پوشی	بی‌اهمیت	۰ تا ۰.۲۰
توافق نسبتاً پایین	متوسط	۰.۲۱ تا ۰.۴۰
توافق متوسط و قابل قبول	مناسب	۰.۴۱ تا ۰.۶۰
توافق قابل توجه	معتبر	۰.۶۱ تا ۰.۸۰
توافق تقریباً کامل	عالی	۰.۸۱ تا ۱.۰۰

مأخذ: لندیس و کوخ (۱۹۷۷)، فلایس (۱۹۸۱)



شکل ۲: مدل گزارشگری ریسک اعتباری

(شامل حد پایین L، مقدار میانی M و حد بالای U) مقدار قطعی شده (Crisp) و همچنین اختلاف بین مقادیر قطعی راند اول و دوم ارائه شده است. تحلیل اختلاف بین دو راند برای بررسی میزان همگرایی نظرات و دستیابی به اجماع بین خبرگان انجام شده است. با توجه به نتایج این جدول، تمامی ۲۷ شاخص شناسایی شده از مقدار قطعی بالاتر از ۰.۷ برخوردار بوده و مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. همچنین، اختلاف بین مقادیر راند اول و دوم برای تمام شاخص‌ها کمتر از حد آستانه ۰.۲ (به جز در چند مورد) بوده که نشان‌دهنده دستیابی به اجماع نظر خبرگان است.

تحلیل نتایج تکنیک دلفی فازی در غربالگری شاخص‌های افشای ریسک اعتباری

پس از شناسایی ۲۷ شاخص اولیه از طریق فرآیند کدگذاری، برای اطمینان از اعتبار و اهمیت این شاخص‌ها و دستیابی به اجماع نظر خبرگان، از رویکرد دلفی فازی استفاده شد. این رویکرد یکی از روش‌های علمی معتبر برای غربالگری شاخص‌ها و جمع‌نظر متخصصان است که از طریق فازی‌سازی دیدگاه‌ها، ابهام و عدم قطعیت موجود در قضاوت‌های انسانی را کاهش می‌دهد. در این مطالعه، از اعداد فازی مثلثی برای فازی‌سازی دیدگاه خبرگان استفاده شده و معیار پذیرش شاخص‌ها، کسب مقدار فازی‌زدایی شده بزرگتر از ۰.۷ بوده است. جدول ۶ نتایج راند دوم تکنیک دلفی فازی را نشان می‌دهد که در آن، میانگین فازی دیدگاه خبرگان در مورد هر شاخص

جدول ۶. میانگین فازی و غربالگری فازی شاخص‌ها (راند دو) و فاصله مقدار قطعی راند نخست و راند دو

نتیجه	اختلاف	Result	Crisp	mean	U	M	L	R۲
توافق	-۰.۳	پذیرش	۷.۵۹	(۸.۶۷, ۸.۷)	۸.۶۷	۸.۰۰	۷.۰۰	مربوط بودن
توافق	۰	پذیرش	۷.۵۹	(۸.۴۲, ۷.۶۷, ۶.۶۷)	۸.۴۲	۷.۶۷	۶.۶۷	قابلیت اتکا
توافق	۰.۳	پذیرش	۷.۸۸	(۸.۱۷, ۷.۷۵, ۶.۸۳)	۸.۱۷	۷.۷۵	۶.۸۳	جامع بودن اطلاعات
توافق	-۰.۳	پذیرش	۷.۵۴	(۸.۶۷, ۷.۹۲, ۶.۹۲)	۸.۶۷	۷.۹۲	۶.۹۲	مانده اعتبار
توافق	۰.۱۵	پذیرش	۷.۶۲	(۸.۲۵, ۷.۵, ۶.۵)	۸.۲۵	۷.۵۰	۶.۵۰	مبالغ سررسید مربوط به هر دسته از اعتبارات
توافق	۰.۳۹	پذیرش	۷.۹۷	(۸.۷۵, ۸.۰۸, ۷.۰۸)	۸.۷۵	۸.۰۸	۷.۰۸	کمک هزینه‌های خاص
توافق	-۰.۷۲	پذیرش	۷.۱۷	(۸.۷۵, ۸.۰۸, ۷.۰۸)	۸.۷۵	۸.۰۸	۷.۰۸	تغییرات در ذخایر کاهش ارزش اعتبار
توافق	۰.۱۱	پذیرش	۷.۲۲	(۸.۸۳, ۸.۴۲, ۷.۴۲)	۸.۸۳	۸.۴۲	۷.۴۲	عناصر اعتباری تجدید ساختار شده در طول سال
توافق	-۰.۱۴	پذیرش	۷.۲۲	(۸.۸۳, ۸.۴۲, ۷.۴۲)	۸.۸۳	۸.۴۲	۷.۴۲	درآمدها، سود خالص و بازده دارایی
توافق	۰.۴۴	پذیرش	۷.۴۹	(۸.۶۷, ۸.۷)	۸.۶۷	۸.۰۰	۷.۰۰	مشخصات وام‌ها
توافق	-۰.۱۳	پذیرش	۷.۳۷	(۸.۷۵, ۸.۰۸, ۷.۰۸)	۸.۷۵	۸.۰۸	۷.۰۸	کیفیت دارایی‌ها
توافق	۰.۰۵	پذیرش	۷.۳۶	(۸.۸۳, ۸.۳۳, ۷.۳۳)	۸.۸۳	۸.۳۳	۷.۳۳	نرخ نکول
توافق	۰.۰۵	پذیرش	۷.۴۱	(۸.۵۸, ۷.۹۲, ۶.۹۲)	۸.۵۸	۷.۹۲	۶.۹۲	تمرکز ریسک
توافق	-۰.۰۹	پذیرش	۷.۲۷	(۸.۷۵, ۸.۰۸, ۷.۰۸)	۸.۷۵	۸.۰۸	۷.۰۸	سیاست‌ها و خط مشی‌های مدیریت ریسک اعتباری
توافق	۰.۳۹	پذیرش	۷.۶۴	(۸.۵۸, ۷.۶۷, ۶.۶۷)	۸.۵۸	۷.۶۷	۶.۶۷	تطابق با مقررات
توافق	-۰.۱۳	پذیرش	۷.۴۳	(۸.۷۵, ۸.۱۷, ۷.۱۷)	۸.۷۵	۸.۱۷	۷.۱۷	شاخص‌های عملکردی
توافق	-۰.۰۱	پذیرش	۷.۳۸	(۸.۷۵, ۸.۲۵, ۷.۲۵)	۸.۷۵	۸.۲۵	۷.۲۵	نرخ نکول
توافق	۰.۱۱	پذیرش	۷.۴۲	(۸.۵, ۷.۸۳, ۶.۸۳)	۸.۵۰	۷.۸۳	۶.۸۳	تمرکز ریسک
توافق	۰	پذیرش	۷.۵	(۸.۳۳, ۷.۵۸, ۶.۵۸)	۸.۳۳	۷.۵۸	۶.۵۸	سیاست‌های مدیریت ریسک
توافق	۰	پذیرش	۷.۳۶	(۸.۲۵, ۷.۴۲, ۶.۴۲)	۸.۲۵	۷.۴۲	۶.۴۲	میزان سرمایه کافی برای پوشش ریسک اعتباری
توافق	۰.۴۷	پذیرش	۷.۸۳	(۷.۹۲, ۷.۰۸, ۶.۰۸)	۷.۹۲	۷.۰۸	۶.۰۸	قابل مقایسه بودن اطلاعات
توافق	۰	پذیرش	۷.۴۴	(۸.۳۳, ۷.۵, ۶.۵)	۸.۳۳	۷.۵۰	۶.۵۰	اطلاعات قابل فهم
توافق	۰	پذیرش	۷.۷۲	(۸.۳۳, ۷.۹۲, ۶.۹۲)	۸.۳۳	۷.۹۲	۶.۹۲	اطلاعات به موقع
توافق	۰	پذیرش	۷.۲۸	(۸.۱۷, ۷.۳۳, ۶.۳۳)	۸.۱۷	۷.۳۳	۶.۳۳	سیاستها و روشهای حسابداری مورد استفاده

نتیجه	اختلاف	Result	Crisp	mean	U	M	L	R ₂
توافق	۰	پذیرش	۷.۵۳	(۸.۲۵, ۷.۶۷, ۶.۶۷)	۸.۲۵	۷.۶۷	۶.۶۷	مفروضات کلیدی مورد استفاده
توافق	۰	پذیرش	۷.۴۷	(۸.۴۲, ۷.۵, ۶.۵)	۸.۴۲	۷.۵۰	۶.۵۰	تکنیکها و روشهای مدیریت سررسید گذشته و داراییهای کاهش یافته
توافق	-۰.۲	پذیرش	۷.۳۳	(۸.۲۵, ۷.۶۷, ۶.۶۷)	۸.۲۵	۷.۶۷	۶.۶۷	سیاستها، شیوهها و روشهای حسابداری

مأخذ: محاسبات پژوهش

زمان بندی مناسب در افشای اطلاعات ریسک اعتباری از دیدگاه خبرگان بسیار مهم است. پس از آن، "مفروضات کلیدی مورد استفاده" با مقدار ۷.۵۳ قرار دارد که بیانگر اهمیت شفافیت در مورد پیش فرضها و مبنای محاسبات و ارزیابیهای صورت گرفته است. کمترین مقدار فازی زدایی شده در این مقوله، مربوط به "سیاستها و روشهای حسابداری مورد استفاده" با مقدار ۷.۲۸ است که البته همچنان بالاتر از آستانه پذیرش ۰.۷ قرار دارد و اهمیت آن مورد تأیید خبرگان است.

بررسی ستون "اختلاف" در جدول ۷ نشان می دهد که بیشترین تغییر در نظرات خبرگان بین راند اول و دوم، مربوط به شاخص "تغییرات در ذخایر کاهش ارزش اعتبار" با اختلاف -۰.۷۲ بوده است. این اختلاف نسبتاً زیاد می تواند نشان دهنده تجدیدنظر خبرگان در مورد اهمیت این شاخص پس از مشاهده نتایج راند اول باشد. با این حال، مقدار قطعی نهایی این شاخص (۷.۱۷) همچنان بالاتر از آستانه پذیرش است و اهمیت آن مورد تأیید قرار گرفته است. برای اکثر شاخصها، اختلاف بین راند اول و دوم بسیار ناچیز و در برخی موارد حتی صفر است که نشان دهنده ثبات در دیدگاه خبرگان و دستیابی به اجماع نظر است. این همگرایی در نظرات، نشانگر اعتبار و پایایی یافتههای پژوهش است.

تحلیل کلی نتایج نشان می دهد که شاخصهای مربوط به ویژگیهای کیفی اطلاعات (مانند مربوط بودن، قابلیت اتکا، جامع بودن، قابل مقایسه بودن و به موقع بودن) از امتیازهای نسبتاً بالایی برخوردار هستند. این امر نشان می دهد که از دیدگاه خبرگان، کیفیت اطلاعات افشا شده به اندازه محتوای فنی و تخصصی آن اهمیت دارد. همچنین، شاخصهای مرتبط با جزئیات کمی و عددی ریسک اعتباری (مانند مانده اعتبار، مبالغ سررسید، کیفیت داراییها و نرخ نکول) نیز از اهمیت بالایی برخوردار هستند که نشان می دهد افشای اطلاعات عددی و کمی در کنار اطلاعات توصیفی و کیفی ضروری است. شاخصهایی که به رویکردهای مدیریتی و روششناسی (مانند سیاستهای

بررسی نتایج جدول ۶ نشان می دهد که کلیه ۲۷ شاخص شناسایی شده از دیدگاه خبرگان، از اهمیت بالایی برخوردار هستند و مقدار فازی زدایی شده برای همه آنها بالاتر از آستانه ۰.۷ است. این امر تأییدی بر جامعیت و اعتبار شاخصهای استخراج شده در مرحله کدگذاری محوری است و نشان می دهد که یافتههای کیفی پژوهش از پشتوانه نظری قوی برخوردار هستند. بالاترین مقدار فازی زدایی شده مربوط به شاخص "جامع بودن اطلاعات" با مقدار ۷.۸۸ است که بیانگر اهمیت ویژه ارائه اطلاعات کامل و فراگیر در افشای ریسک اعتباری می باشد. پس از آن، شاخصهای "کمک هزینههای خاص" با مقدار ۷.۹۷ و "قابل مقایسه بودن اطلاعات" با مقدار ۷.۸۳ در رتبههای بعدی قرار دارند که نشان دهنده اهمیت افشای جزئیات کمک هزینههای خاص و همچنین قابلیت مقایسه اطلاعات ارائه شده برای استفاده کنندگان است.

در بین شاخصهای مقوله "عناصر محتوایی"، شاخصهای "مربوط بودن" و "قابلیت اتکا" هر دو با مقدار فازی زدایی شده ۷.۵۹، از اهمیت بالایی برخوردار هستند. این یافته با مبنای نظری کیفیت اطلاعات مالی همسو است که مربوط بودن و قابلیت اتکا را به عنوان دو ویژگی کیفی اصلی اطلاعات مالی معرفی می کند. شاخص "تطابق با مقررات" نیز با مقدار ۷.۶۴ از اهمیت بالایی برخوردار است که نشان دهنده توجه خبرگان به الزامات قانونی و رعایت استانداردها در افشای ریسک اعتباری می باشد. در میان شاخصهای مربوط به ریسک، "نرخ نکول" و "تمرکز ریسک" به ترتیب با مقادیر ۷.۳۶ و ۷.۴۱ مورد تأیید خبرگان قرار گرفته اند. اگرچه این شاخصها دوبار در جدول تکرار شده اند (احتمالاً به دلیل استخراج از منابع مختلف در مرحله کدگذاری باز)، اما مقادیر نزدیک به هم در هر دو مورد، نشان دهنده ثبات در دیدگاه خبرگان نسبت به اهمیت این شاخصهاست.

در مقوله "عناصر شکلی"، شاخص "اطلاعات به موقع" با مقدار ۷.۷۲ بالاترین امتیاز را کسب کرده است که نشان می دهد

شاخص KMO با مقدار ۰.۹۵۰ در جدول ۷ نشان‌دهنده کفایت عالی حجم نمونه برای انجام تحلیل عاملی است. این مقدار که بسیار نزدیک به ۱ است، بیانگر این است که الگوی همبستگی بین متغیرها بسیار مناسب بوده و داده‌ها به خوبی برای تحلیل عاملی مناسب هستند. طبق قاعده کلی، مقادیر KMO بزرگتر از ۰.۹ عالی، بین ۰.۸ تا ۰.۹ بسیار خوب، بین ۰.۷ تا ۰.۸ خوب، بین ۰.۶ تا ۰.۷ متوسط، بین ۰.۵ تا ۰.۶ ضعیف و کمتر از ۰.۵ غیرقابل قبول ارزیابی می‌شوند. بنابراین، مقدار ۰.۹۵۰ نشان می‌دهد که نمونه‌گیری در سطح عالی بوده و داده‌های پژوهش از قابلیت تقلیل به عوامل زیربنایی برخوردار هستند.

آزمون بارتلت با مقدار ۳۹۶۶۱.۳۳۹ و سطح معناداری ۰.۰۰۰ نیز تأیید می‌کند که ماتریس همبستگی بین متغیرها، ماتریس همانی (یکه) نیست. به عبارت دیگر، بین متغیرهای پژوهش همبستگی معناداری وجود دارد و انجام تحلیل عاملی منطقی است. این آزمون فرض صفر مبنی بر عدم وجود همبستگی بین متغیرها را رد می‌کند و نشان می‌دهد که روابط معناداری بین متغیرها وجود دارد که می‌تواند مبنای شناسایی عوامل زیربنایی قرار گیرد.

درجه آزادی ۵۳۵۶ در آزمون بارتلت نشان‌دهنده تعداد بالای روابط بین متغیرها است که مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این درجه آزادی بالا همراه با آماره بزرگ بارتلت و سطح معناداری ۰.۰۰۰ (کمتر از ۰.۰۱)، قویاً تأیید می‌کند که ساختار همبستگی بین متغیرها برای تحلیل عاملی مناسب است و می‌توان با اطمینان به نتایج تحلیل عاملی اکتشافی در این پژوهش استناد کرد.

جدول ۸ نتایج استخراج عوامل در تحلیل عاملی اکتشافی را نشان می‌دهد. این جدول مقادیر ویژه اولیه و مقادیر ویژه پس از چرخش را برای هر عامل به همراه درصد واریانس تبیین شده توسط هر عامل ارائه می‌کند. مقادیر ویژه، معیاری برای تعیین اهمیت هر عامل در تبیین واریانس کل متغیرها هستند و عامل‌هایی که دارای مقدار ویژه بزرگتر از ۱ هستند، در تحلیل باقی می‌مانند.

نتایج نشان می‌دهد که از میان ۲۷ شاخص مورد بررسی، تنها ۲ عامل دارای مقدار ویژه بزرگتر از ۱ هستند. عامل اول با مقدار ویژه ۱۲.۹۴۰ قادر به تبیین ۴۷.۹۲۸ درصد از واریانس کل متغیرهاست. این مقدار نسبتاً بالا نشان می‌دهد که عامل اول نقش بسیار مهمی در تبیین تغییرات متغیرها دارد. عامل دوم با مقدار ویژه ۲.۰۵۸ توانسته است ۷.۶۲۳ درصد از واریانس را تبیین کند. در مجموع، این دو عامل قادر به تبیین ۵۵.۵۵۱ درصد از واریانس کل متغیرها هستند که نشان‌دهنده قدرت تبیین مناسب مدل استخراج شده است. پس از چرخش عامل‌ها

مدیریت ریسک، تکنیک‌ها و روش‌های مدیریت و مفروضات کلیدی) اشاره دارند نیز مورد تأیید خبرگان قرار گرفته‌اند که بیانگر اهمیت شفافیت در مورد چگونگی مدیریت ریسک اعتباری توسط سازمان است.

نکته قابل توجه دیگر، تأیید اهمیت شاخص‌هایی است که به ارتباط بین ریسک اعتباری و عملکرد مالی (مانند درآمدها، سود خالص و بازده دارایی، شاخص‌های عملکردی و میزان سرمایه کافی برای پوشش ریسک) اشاره دارند. این یافته نشان می‌دهد که افشای ریسک اعتباری نباید به صورت مجزا و منفک از سایر اطلاعات مالی صورت گیرد، بلکه باید در بستری از عملکرد کلی سازمان ارائه شود تا استفاده‌کنندگان بتوانند ارتباط بین ریسک و بازده را به درستی ارزیابی کنند. همچنین، تأیید اهمیت شاخص "تطابق با مقررات" نشان می‌دهد که رعایت الزامات قانونی و مقرراتی نیز باید در افشای ریسک اعتباری مورد توجه قرار گیرد.

در مجموع، نتایج تکنیک دلفی فازی نشان می‌دهد که مدل مفهومی طراحی شده برای افشای ریسک اعتباری، از جامعیت مناسبی برخوردار است و تمامی ابعاد مهم از دیدگاه خبرگان در آن لحاظ شده است. پذیرش تمامی ۲۷ شاخص با مقادیر فازی‌زدایی شده بالاتر از ۰.۷ و دستیابی به اجماع نظر خبرگان (با توجه به اختلاف ناچیز بین راند اول و دوم)، تأییدی بر اعتبار و پایایی مدل ارائه شده است. این مدل می‌تواند به عنوان چارچوبی جامع برای افشای ریسک اعتباری توسط بانک‌ها و مؤسسات مالی مورد استفاده قرار گیرد و به بهبود شفافیت و کیفیت گزارشگری مالی در این حوزه کمک کند.

پیش از انجام تحلیل عاملی، بررسی مناسب بودن داده‌ها برای این تحلیل ضروری است. به این منظور، دو شاخص کلیدی مورد استفاده قرار می‌گیرند: شاخص کفایت نمونه‌گیری کیزر-میر-اولکین (KMO) و آزمون کرویت بارتلت. این شاخص‌ها نشان می‌دهند که آیا داده‌های جمع‌آوری شده برای تحلیل عاملی مناسب هستند و همبستگی کافی بین متغیرها وجود دارد یا خیر.

جدول ۷. شاخص کفایت نمونه‌گیری و ضریب بارتلت

مقدار	شاخص
۰/۹۵۰	شاخص کفایت نمونه‌گیری کیزر-میر-اولکین (KMO)
۳۹۶۶۱/۳۳۹	آزمون بارتلت
۵۳۵۶	درجه آزادی
۰/۰۰۰	سطح معناداری

مأخذ: محاسبات پژوهش

کرد. با توجه به اینکه این دو عامل در مجموع بیش از ۵۵ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند، می‌توان گفت که مدل استخراج شده از قدرت تبیین قابل قبولی برخوردار است و می‌تواند به خوبی ساختار داده‌های پژوهش را نشان دهد.

در جدول ۹ ماتریس چرخش یافته اجزا را نشان می‌دهد که شامل بارهای عاملی هر یک از متغیرهای باقی مانده پس از چرخش می‌باشد. همچنین هر متغیر در عاملی که بارعاملی بیشتری دارد در نظر گرفته شده است.

با هدف دستیابی به ساختار ساده‌تر و قابل تفسیرتر، توزیع واریانس بین دو عامل متعادل‌تر شده است. عامل اول پس از چرخش با مقدار ویژه ۷.۵۰۷، قادر به تبیین ۲۷.۸۰۴ درصد از واریانس است و عامل دوم با مقدار ویژه ۷.۴۹۲، قادر به تبیین ۲۷.۷۴۷ درصد از واریانس است. این توزیع متعادل واریانس بین دو عامل پس از چرخش، نشان‌دهنده موفقیت فرآیند چرخش در ایجاد ساختار عاملی منسجم و قابل تفسیر است. این نتایج نشان می‌دهد که ۲۷ شاخص شناسایی شده برای افشای ریسک اعتباری را می‌توان در قالب دو عامل اصلی و زیربنایی طبقه‌بندی

جدول ۸. تعداد عامل‌ها و کل واریانس‌های استخراج شده

عامل‌ها	مقادیر ویژه اولیه			مجموعه مقادیر عاملهای استخراج شده بعد از چرخش		
	مقادیر ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی	مقادیر ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی
۱	۱۲/۹۴۰	۴۷/۹۲۸	۴۷/۹۲۸	۷/۵۰۷	۲۷/۸۰۴	۲۷/۸۰۴
۲	۲/۰۵۸	۷/۴۹۲	۵۵/۵۵۱	۷/۴۹۲	۲۷/۷۴۷	۵۵/۵۵۱

مأخذ: محاسبات پژوهش

جدول ۹. عوامل شناسایی شده و بار عاملی هر متغیر (ماتریس عامل‌های چرخش یافته)

عامل‌های شناسایی شده	بار عاملی	عوامل شناسایی شده
۲	۱
-۰.۳۷۹	۰.۶۸۴	مربوط بودن
	۰.۷۶۹	قابلیت اتکا
-۰.۵۴۴	۰.۶۹۴	جامع بودن اطلاعات
۰.۳۵۷	۰.۵۵۸	مانده اعتبار
۰.۳۳۲	۰.۵۱۴	مبالغ سررسید مربوط به هر دسته از اعتبارات
	۰.۷۳۵	کمک هزینه های خاص
	۰.۶۶۸	تغییرات در ذخایر کاهش ارزش اعتبار
-۰.۳۶۰	۰.۶۵۷	عناصر اعتباری تجدید ساختار شده در طول سال
	۰.۷۳۲	درآمدها، سود خالص و بازده دارایی
	۰.۷۳۲	مشخصات وام‌ها
	۰.۶۹۷	کیفیت دارایی‌ها
	۰.۶۶۳	نرخ نکول
	۰.۷۶۱	تمرکز ریسک
	۰.۷۳۱	سیاستها و خط مشیهای مدیریت ریسک اعتباری
	۰.۶۵۶	تطابق با مقررات
	۰.۷۱۷	شاخص‌های عملکردی
	۰.۷۸۵	نرخ نکول
	۰.۷۳۳	تمرکز ریسک
	۰.۷۱۳	سیاست‌های مدیریت ریسک
	۰.۷۹۱	میزان سرمایه کافی برای پوشش ریسک اعتباری
۰.۷۴۶		قابل مقایسه بودن اطلاعات
۰.۶۱۲		اطلاعات قابل فهم

عوامل‌های شناسایی شده	
۲	۱
۰.۷۰۴		اطلاعات به موقع
۰.۶۷۳	۰.۳۰۵	سیاستها و روشهای حسابداری مورد استفاده
۰.۷۶۹	۰.۴۱۲	مفروضات کلیدی مورد استفاده
۰.۶۹۴	۰.۳۲۷	تکنیک ها و روش های مدیریت سررسید گذشته و دارایی های کاهش یافته
۰.۵۵۸	۰.۳۵۶	سیاست ها، شیوه ها و روش های حسابداری

مأخذ: محاسبات پژوهش

به چگونگی ارائه اطلاعات، ویژگی‌های کیفی اطلاعات و روش‌شناسی و مفروضات مورد استفاده اشاره دارد.

جالب توجه است که برخی از شاخص‌ها دارای بار عملی قابل توجه روی هر دو عامل هستند، اما میزان بار عملی آنها روی یکی از عوامل بیشتر است. برای مثال، شاخص "جامع بودن اطلاعات" دارای بار عملی ۰.۶۹۴ روی عامل اول و ۰.۵۴۴ روی عامل دوم است، که نشان می‌دهد این شاخص بیشتر مرتبط با عناصر محتوایی است اما با عناصر شکلی نیز ارتباط دارد (هرچند به صورت منفی). همچنین، شاخص‌هایی مانند "مانده اعتبار" و "مبالغ سررسید مربوط به هر دسته از اعتبارات" نیز دارای بار عملی قابل توجه روی هر دو عامل هستند، اما بار عملی آنها روی عامل اول بیشتر است.

مشاهده می‌شود که شاخص "نرخ نکول" و "تمرکز ریسک" هر کدام دو بار در جدول تکرار شده‌اند و هر دو بار با عامل اول همبستگی بالایی نشان داده‌اند. این امر می‌تواند ناشی از تکرار این شاخص‌ها در پرسشنامه یا استخراج آنها از منابع مختلف در مرحله کدگذاری باشد. با این حال، بارهای عاملی نسبتاً نزدیک برای هر تکرار (۰.۶۶۳ و ۰.۷۸۵ برای نرخ نکول و ۰.۷۶۱ و ۰.۷۳۳ برای تمرکز ریسک) نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان دیدگاه نسبتاً یکسانی نسبت به اهمیت این شاخص‌ها داشته‌اند.

تفسیر کلی نتایج تحلیل عاملی

نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان می‌دهد که ۲۷ شاخص شناسایی شده برای افشای ریسک اعتباری را می‌توان در قالب دو عامل اصلی طبقه‌بندی کرد: "عناصر محتوایی افشای ریسک اعتباری" و "عناصر شکلی و کیفی افشای ریسک اعتباری". این طبقه‌بندی منطبق با ادبیات گزارشگری مالی است که اغلب میان محتوای اطلاعات (چه چیزی باید افشا شود) و کیفیت اطلاعات (چگونه باید افشا شود) تمایز قائل می‌شود.

عامل اول، "عناصر محتوایی افشای ریسک اعتباری"، با تبیین حدود ۲۷.۸ درصد از واریانس کل متغیرها، مهمترین عامل شناسایی شده است. این عامل شامل شاخص‌هایی است

جدول ۹ ماتریس عامل‌های چرخش یافته را نشان می‌دهد که بارهای عاملی هر یک از ۲۷ شاخص افشای ریسک اعتباری را روی دو عامل استخراج شده نمایش می‌دهد. بار عاملی نشان‌دهنده میزان همبستگی هر متغیر با عامل مربوطه است و معمولاً بارهای عاملی بزرگتر از ۰.۵ معنادار تلقی می‌شوند. این ماتریس پس از چرخش واریماکس به دست آمده است که هدف آن، دستیابی به ساختار ساده‌تر و قابل تفسیرتر از طریق حداکثرسازی پراکندگی بارهای عاملی در هر عامل است. بررسی بارهای عاملی در جدول ۱۰ نشان می‌دهد که ۲۰ شاخص از ۲۷ شاخص مورد بررسی، دارای بار عاملی معنادار روی عامل اول هستند. این شاخص‌ها عمدتاً مرتبط با محتوای اطلاعات افشا شده در زمینه ریسک اعتباری هستند. شاخص‌هایی مانند "میزان سرمایه کافی برای پوشش ریسک اعتباری" (۰.۷۹۱)، "قابلیت اتکا" (۰.۷۶۹)، "تمرکز ریسک" (۰.۷۶۱)، "کمک هزینه‌های خاص" (۰.۷۳۵)، "مشخصات وام‌ها" (۰.۷۳۲)، "درآمدها، سود خالص و بازده دارایی" (۰.۷۳۲) و "سیاست‌ها و خط مشی‌های مدیریت ریسک اعتباری" (۰.۷۳۱) دارای بیشترین بار عاملی روی عامل اول هستند. با توجه به ماهیت این شاخص‌ها، می‌توان عامل اول را "عناصر محتوایی افشای ریسک اعتباری" نام‌گذاری کرد. این عامل به محتوای اطلاعاتی که باید افشا شود و جنبه‌های فنی و تخصصی ریسک اعتباری اشاره دارد.

از سوی دیگر، ۷ شاخص دارای بار عاملی معنادار روی عامل دوم هستند. این شاخص‌ها عمدتاً مرتبط با نحوه ارائه و ویژگی‌های کیفی اطلاعات افشا شده هستند. شاخص‌هایی مانند "مفروضات کلیدی مورد استفاده" (۰.۷۶۹)، "قابل مقایسه بودن اطلاعات" (۰.۷۴۶)، "اطلاعات به موقع" (۰.۷۰۴)، "تکنیک‌ها و روش‌های مدیریت سررسید گذشته و دارایی‌های کاهش یافته" (۰.۶۹۴) و "سیاست‌ها و روش‌های حسابداری مورد استفاده" (۰.۶۷۳) دارای بیشترین بار عاملی روی عامل دوم هستند. با توجه به ماهیت این شاخص‌ها، می‌توان عامل دوم را "عناصر شکلی و کیفی افشای ریسک اعتباری" نام‌گذاری کرد. این عامل

دو جنبه افشای ریسک اعتباری - محتوا و کیفیت - از اهمیت یکسانی برخوردار هستند. این یافته با ادبیات نظری گزارشگری مالی همسو است که هم بر افشای اطلاعات کافی و جامع و هم بر کیفیت اطلاعات افشا شده تأکید می‌کند.

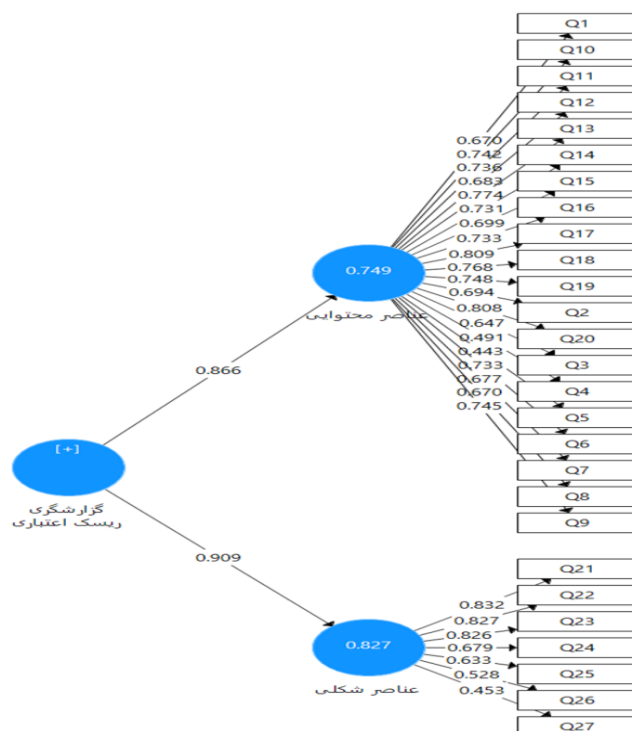
در مجموع، نتایج تحلیل عاملی نشان می‌دهد که مدل مفهومی طراحی شده برای افشای ریسک اعتباری، از ساختار دو بعدی برخوردار است که هر بعد آن حدود نیمی از ویژگی‌های مهم افشای ریسک اعتباری را در بر می‌گیرد. این مدل می‌تواند به عنوان چارچوبی برای ارزیابی کیفیت افشای ریسک اعتباری توسط بانک‌ها و مؤسسات مالی مورد استفاده قرار گیرد و به بهبود شفافیت و کیفیت گزارشگری مالی در این حوزه کمک کند.

همچنین، شناسایی این دو عامل اصلی می‌تواند به تدوین کنندگان استانداردها و مقررات کمک کند تا در طراحی استانداردهای افشای ریسک اعتباری، هم به جنبه‌های محتوایی و هم به جنبه‌های کیفی توجه کافی داشته باشند. به علاوه، این یافته‌ها می‌تواند برای مدیران مالی و اعتباری بانک‌ها نیز راهنمای مفیدی باشد تا در گزارشگری ریسک اعتباری، هر دو جنبه را به طور متوازن مورد توجه قرار دهند.

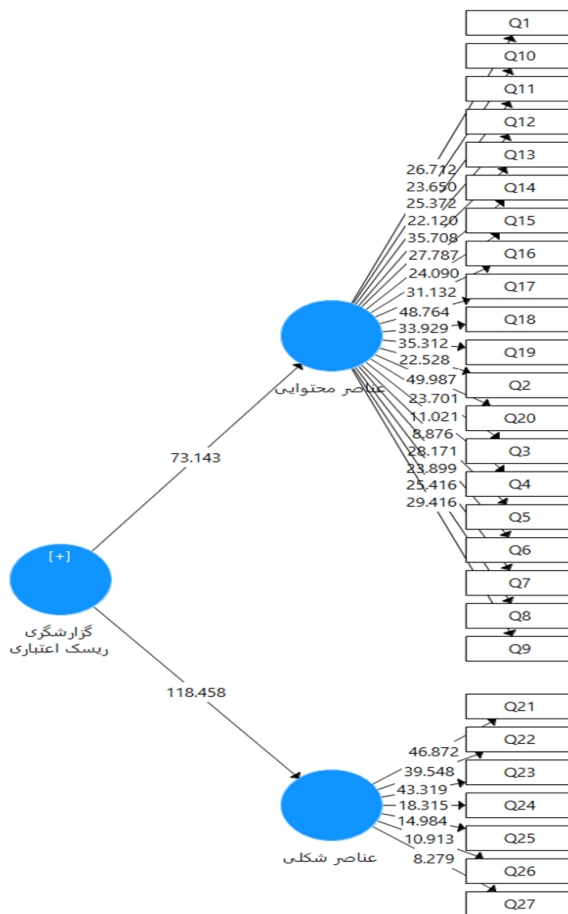
که به اطلاعات کمی و کیفی مرتبط با ریسک اعتباری، مانند میزان سرمایه، مانده اعتبار، مشخصات وام‌ها، نرخ نکول، تمرکز ریسک، سیاست‌های مدیریت ریسک و شاخص‌های عملکردی اشاره دارند. این نتیجه نشان می‌دهد که محتوای اطلاعات افشا شده، مهم‌ترین جنبه افشای ریسک اعتباری است و باید در طراحی استانداردهای افشا و گزارشگری ریسک مورد توجه ویژه قرار گیرد.

عامل دوم، "عناصر شکلی و کیفی افشای ریسک اعتباری"، با تبیین حدود ۲۷.۷ درصد از واریانس کل متغیرها، از اهمیت نسبتاً مشابهی با عامل اول برخوردار است. این عامل شامل شاخص‌هایی است که به ویژگی‌های کیفی اطلاعات (مانند قابل مقایسه بودن، قابل فهم بودن و به موقع بودن) و همچنین روش‌شناسی و مفروضات مورد استفاده (مانند سیاست‌ها و روش‌های حسابداری، مفروضات کلیدی و تکنیک‌های مدیریت) اشاره دارند. این نتیجه نشان می‌دهد که نحوه ارائه و ویژگی‌های کیفی اطلاعات نیز به اندازه محتوای اطلاعات مهم هستند و باید در طراحی استانداردهای افشا مورد توجه قرار گیرند.

توزیع متعادل واریانس بین این دو عامل (۲۷.۸ درصد برای عامل اول و ۲۷.۷ درصد برای عامل دوم) نشان می‌دهد که هر



شکل ۳. مقادیر بارهای عاملی مدل اندازه‌گیری گزارشگری ریسک اعتباری



شکل ۴. معناداری بارهای عاملی مدل اندازه‌گیری گزارشگری ریسک اعتباری

جدول ۱۰. آلفای کرونباخ و پایایی مرکب

متغیر	ابعاد	ابعاد	کل				
			آلفای کرونباخ	قابلیت اطمینان	پایایی مرکب	آلفای کرونباخ	قابلیت اطمینان
گزارشگری ریسک اعتباری	عنصر شکلی	0/818	0/869	0/864	0/847	0/851	0/897
	عنصر محتوایی	0/946	0/954	0/951			

مأخذ: محاسبات پژوهش

همسانی درونی بالای گویه‌های هر بُعد است. همچنین، مقدار آلفای کرونباخ برای کل مقیاس گزارشگری ریسک اعتباری نیز ۰.۸۴۷ است که بیانگر پایایی مناسب کل ابزار اندازه‌گیری است. این یافته نشان می‌دهد که گویه‌های تشکیل‌دهنده هر بُعد، به خوبی با یکدیگر هماهنگ هستند و از انسجام درونی مناسبی برخوردارند.

علاوه بر آلفای کرونباخ، شاخص پایایی مرکب نیز برای ارزیابی پایایی ابزار اندازه‌گیری محاسبه شده است. این شاخص نسبت به آلفای کرونباخ، معیار دقیق‌تری برای سنجش پایایی محسوب می‌شود زیرا در محاسبه آن، بارهای عاملی متفاوت

پایایی ابزار اندازه‌گیری، به معنای ثبات و قابلیت اعتماد ابزار در اندازه‌گیری دقیق و یکسان مفاهیم مورد نظر است. برای سنجش این ویژگی، از شاخص‌های آلفای کرونباخ و پایایی مرکب استفاده می‌شود که مقادیر بالاتر از ۰.۷ برای هر دو شاخص، نشان‌دهنده پایایی قابل قبول ابزار اندازه‌گیری است. این جدول نتایج بررسی پایایی ابزار اندازه‌گیری الگوی گزارشگری ریسک اعتباری را نشان می‌دهد.

نتایج جدول ۱۰ نشان می‌دهد که آلفای کرونباخ بُعد عناصر شکلی برابر با ۰.۸۱۸ و بُعد عناصر محتوایی برابر با ۰.۹۴۶ است. این مقادیر بالاتر از آستانه استاندارد ۰.۷ هستند که نشان‌دهنده

محتوایی) که جذر میانگین واریانس استخراج شده هر بُعد را نشان می‌دهند، بزرگتر از همبستگی بین آن بُعد با بُعد دیگر (۰.۷۳۷) هستند. این یافته نشان‌دهنده روایی و اگرایی مناسب ابزار اندازه‌گیری است و بیانگر آن است که هر بُعد، سازه متمایزی را اندازه‌گیری می‌کند.

با این حال، همبستگی نسبتاً بالا بین دو بُعد (۰.۷۳۷) نشان می‌دهد که این دو بُعد، علی‌رغم تمایز مفهومی، ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند. این امر قابل انتظار است زیرا هر دو بُعد، جنبه‌های مختلفی از یک مفهوم واحد (گزارشگری ریسک اعتباری) را اندازه‌گیری می‌کنند. به طور کلی، نتایج بررسی روایی نشان می‌دهد که ابزار اندازه‌گیری الگوی گزارشگری ریسک اعتباری، از روایی همگرا و اگرایی مناسبی برخوردار است و می‌تواند مفاهیم مورد نظر را به درستی اندازه‌گیری کند.

اعتباربخشی الگو، یکی از مراحل مهم در طراحی و توسعه الگوهای مفهومی است که طی آن، کارایی و اثربخشی الگوی طراحی شده، از منظر خبرگان و متخصصان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این اعتباربخشی شامل دو بخش درونی (مربوط به ساختار درونی الگو) و بیرونی (مربوط به کاربردپذیری الگو در دنیای واقعی) است. در این مطالعه، از دیدگاه ۱۰ نفر از متخصصان حوزه گزارشگری مالی و ریسک اعتباری برای اعتباربخشی الگوی طراحی شده استفاده شده است. این جداول نتایج تحلیل توصیفی و استنباطی مربوط به اعتباربخشی الگوی گزارشگری ریسک اعتباری را نشان می‌دهند.

گوپه‌ها در نظر گرفته می‌شود. مقدار پایایی مرکب برای بُعد عناصر شکلی ۰.۸۶۴، برای بُعد عناصر محتوایی ۰.۹۵۱ و برای کل مقیاس ۰.۸۹۷ است. این مقادیر نیز بالاتر از آستانه استاندارد ۰.۷ هستند که تأییدکننده پایایی ابزار اندازه‌گیری است. به طور کلی، نتایج بررسی پایایی نشان می‌دهد که ابزار اندازه‌گیری الگوی گزارشگری ریسک اعتباری، از پایایی بالایی برخوردار است و می‌تواند در موقعیت‌های مختلف، نتایج یکسان و قابل اعتمادی را تولید کند.

روایی همگرا و روایی و اگرایی دو معیار مهم برای ارزیابی اعتبار ابزار اندازه‌گیری هستند. روایی همگرا به میزان همبستگی بین گوپه‌های یک سازه اشاره دارد و با شاخص میانگین واریانس استخراج شده (AVE) سنجیده می‌شود. روایی و اگرایی نیز به میزان تمایز یک سازه از سازه‌های دیگر اشاره دارد و با آزمون فورنل-لارکر مورد بررسی قرار می‌گیرد. این جدول نتایج بررسی روایی همگرا و و اگرایی برای ابعاد الگوی گزارشگری ریسک اعتباری را نشان می‌دهد.

نتایج جدول ۱۱ نشان می‌دهد که مقدار میانگین واریانس استخراج شده (AVE) برای بُعد عناصر شکلی برابر با ۰.۵۸۶ و برای بُعد عناصر محتوایی برابر با ۰.۵۹۸ است. این مقادیر بالاتر از آستانه استاندارد ۰.۵ هستند که نشان‌دهنده روایی همگرای مناسب ابزار اندازه‌گیری است. به عبارت دیگر، گوپه‌های هر بُعد، همبستگی بالایی با یکدیگر دارند و به خوبی می‌توانند سازه مربوطه را اندازه‌گیری کنند. همچنین، مقادیر قطر اصلی ماتریس فورنل-لارکر (۰.۷۶۶) برای عناصر شکلی و (۰.۷۷۳) برای عناصر

جدول ۱۱. میانگین واریانس استخراج شده و آزمون فورنل - لارکر

عناصر محتوایی	عناصر شکلی	AVE
عناصر محتوایی	0/737	0/598
عناصر شکلی	0/766	0/586

مأخذ: محاسبات پژوهش

جدول ۱۲. تحلیل توصیفی مؤلفه‌های اعتباربخشی الگو

بیشینه	کمینه	واریانس	انحراف معیار	مد	میانگین
5	3	0/204	0/451	4	4
5	3	0/23	0/479	4	4
5	3	0/189	0/434	4	4
5	3	0/331	0/615	4	4
5	3	0/192	0/438	4	4
5	2	0/217	0/465	4	4
5	3	0/247	0/497	4	4
5	3	0/14	0/374	4	4

جدول ۱۳. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای اعتبار بخشی درونی و بیرونی

نوع اعتباریابی	متغیرها	میانگین تجربی	میانگین نظری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان اختلاف		t	درجه آزادی	Sig
					حد بالا	حد پایین			
درونی	تطبيق	3/8273	3	0/872	0/6907	1/1093	8/121	9	0/000
	قابلیت فهم	3/976	3	0/976	0/4327	0/9673	5/480	9	0/000
	قابلیت تعمیم	3/895	3	0/895	0/5552	1/0448	6/839	9	0/000
	کنترل	4/121	3	1/121	0/6963	1/3037	6/892	9	0/000
بیرونی	فلسفه و اهداف	3/567	3	0/567	0/5119	1/0881	5/812	9	0/000
	مبانی تئوریک	3/637	3	0/637	0/1636	0/9364	0/979	9	0/008
	مراحل اجرای الگو	3/987	3	0/987	0/4925	1/0075	6/097	9	0/000
	ارزشیابی و مهندسی مجدد	3/792	3	0/792	0/4511	1/0489	5/252	9	0/000
اعتبار بخشی الگو	شکل کلی الگو	3/784	3	0/784	0/6907	1/1093	9/000	9	0/000

مأخذ: محاسبات پژوهش

این حوزه، الگویی معتبر و کاربردی است. این الگو در هر دو بعد درونی (تطبيق، قابلیت فهم، قابلیت تعمیم و کنترل) و بیرونی (فلسفه و اهداف، مبانی تئوریک، مراحل اجرا و ارزشیابی) از اعتبار بالایی برخوردار است و می‌تواند به عنوان چارچوبی جامع برای گزارشگری ریسک اعتباری در بانک‌ها و مؤسسات مالی مورد استفاده قرار گیرد. بالاترین نمره در بین مؤلفه‌های اعتباربخشی مربوط به مؤلفه "کنترل" است که نشان می‌دهد الگوی طراحی شده، از نظر متخصصان، امکان نظارت و کنترل مناسبی بر ریسک اعتباری فراهم می‌کند. همچنین، نمره بالای مؤلفه "مراحل اجرای الگو" نیز نشان‌دهنده قابلیت پیاده‌سازی و اجرای مناسب این الگو در محیط واقعی است.

تفسیر جامع یافته‌ها

نتایج بررسی پایایی و روایی ابزار اندازه‌گیری الگوی گزارشگری ریسک اعتباری نشان می‌دهد که این ابزار، از ویژگی‌های روان‌سنجی مناسبی برخوردار است. مقادیر بالای آلفای کرونباخ و پایایی مرکب (بالاتر از ۰.۸ برای تمام ابعاد و کل مقیاس) نشان‌دهنده پایایی بالای ابزار اندازه‌گیری است. همچنین، مقادیر مناسب میانگین واریانس استخراج شده (بالاتر از ۰.۵) و برقراری شرط فورنل-لارکر، نشان‌دهنده روایی همگرا و واگرایی مناسب ابزار اندازه‌گیری است. این یافته‌ها بیانگر آن است که ابزار طراحی شده، می‌تواند به خوبی مفهوم گزارشگری ریسک اعتباری را اندازه‌گیری کند و نتایج حاصل از آن، قابل اعتماد و معتبر است. نتایج اعتباربخشی الگو نیز نشان می‌دهد که الگوی طراحی شده برای گزارشگری ریسک اعتباری، از دیدگاه متخصصان این حوزه، الگویی معتبر و کاربردی است. میانگین بالای نمرات تمام مؤلفه‌های اعتباربخشی (بالاتر از ۳.۵ از ۵) و معناداری آماری این

نتایج تحلیل توصیفی در جدول ۱۲ نشان می‌دهد که میانگین نمرات تمام مؤلفه‌های اعتباربخشی الگو، برابر با ۴ (از مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت) است که بیانگر ارزیابی مطلوب متخصصان از الگوی طراحی شده است. همچنین، مقدار مد (نما) برای تمام مؤلفه‌ها نیز ۴ است که نشان می‌دهد بیشترین فراوانی پاسخ‌ها در طیف "موافقم" قرار دارد. انحراف معیار نمرات نیز بین ۰.۳۷۴ تا ۰.۶۱۵ متغیر است که نشان‌دهنده پراکندگی نسبتاً کم و همگرایی دیدگاه متخصصان درباره اعتبار الگو است. کمترین نمره برای اکثر مؤلفه‌ها ۳ (نه موافق و نه مخالف) و بیشترین نمره ۵ (کاملاً موافقم) است، به استثنای مؤلفه "مبانی تئوریک" که دامنه نمرات آن بین ۲ تا ۵ متغیر است.

نتایج آزمون t تک نمونه‌ای در جدول ۱۳ نیز نشان می‌دهد که میانگین تجربی تمام مؤلفه‌های اعتباربخشی الگو، به طور معناداری ($Sig < 0.01$) بیشتر از میانگین نظری (برابر با ۳) است. در بخش اعتباربخشی درونی، بیشترین اختلاف میانگین مربوط به مؤلفه "کنترل" (۱.۱۲۱) و کمترین اختلاف میانگین مربوط به مؤلفه "تطبيق" (۰.۸۷۲) است. در بخش اعتباربخشی بیرونی نیز بیشترین اختلاف میانگین مربوط به مؤلفه "مراحل اجرای الگو" (۰.۹۸۷) و کمترین اختلاف میانگین مربوط به مؤلفه "فلسفه و اهداف" (۰.۵۶۷) است. همچنین، میانگین تجربی شکل کلی الگو نیز ۳.۷۸۴ است که به طور معناداری ($t = 9.000$, $Sig = 0.000$) بیشتر از میانگین نظری است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که از دیدگاه متخصصان، الگوی طراحی شده برای گزارشگری ریسک اعتباری، از اعتبار درونی و بیرونی مناسبی برخوردار است.

به طور کلی، نتایج اعتباربخشی نشان می‌دهد که الگوی طراحی شده برای گزارشگری ریسک اعتباری، از نظر متخصصان

میانگین‌ها نسبت به میانگین نظری (۳)، نشان‌دهنده تأیید اعتبار درونی و بیرونی الگو توسط متخصصان است. الگوی طراحی شده، هم از نظر ساختار درونی (تطبیق، قابلیت فهم، قابلیت تعمیم و کنترل) و هم از نظر کاربردپذیری بیرونی (فلسفه و اهداف، مبانی تئوریک، مراحل اجرا و ارزشیابی) مورد تأیید متخصصان قرار گرفته است. این یافته‌ها بیانگر آن است که الگوی طراحی شده، می‌تواند به عنوان چارچوبی جامع و کاربردی برای گزارشگری ریسک اعتباری در بانک‌ها و مؤسسات مالی مورد استفاده قرار گیرد.

ترکیب نتایج بررسی پایایی و روایی ابزار اندازه‌گیری با نتایج اعتباربخشی الگو، نشان می‌دهد که الگوی دو بُعدی گزارشگری ریسک اعتباری (شامل عناصر شکلی و عناصر محتوایی)، از نظر علمی و کاربردی، الگویی معتبر و قابل اتکا است. این الگو، از یک سو، از ویژگی‌های روان‌سنجی مناسبی برخوردار است و می‌تواند به خوبی مفهوم گزارشگری ریسک اعتباری را اندازه‌گیری کند. از سوی دیگر، این الگو از نظر متخصصان حوزه گزارشگری مالی و ریسک اعتباری نیز مورد تأیید قرار گرفته است و می‌تواند در محیط واقعی کسب و کار، به عنوان چارچوبی برای گزارشگری ریسک اعتباری مورد استفاده قرار گیرد. این یافته‌ها، اعتبار علمی و کاربردی الگوی طراحی شده را تأیید می‌کند و زمینه را برای استفاده از این الگو در پژوهش‌های آتی و همچنین در محیط واقعی کسب و کار فراهم می‌سازد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف طراحی مدل گزارشگری ریسک اعتباری در مؤسسات مالی و اعتباری، با تأکید بر عناصر شکلی و محتوایی انجام شد. نتایج نشان داد که گزارشگری ریسک اعتباری از دو دسته عوامل شکلی و محتوایی تشکیل شده است. در دسته عناصر شکلی، عواملی مانند قابل مقایسه بودن اطلاعات، قابلیت فهم اطلاعات، به‌موقع بودن اطلاعات، سیاست‌ها و روش‌های حسابداری مورد استفاده، مفروضات کلیدی، تکنیک‌ها و روش‌های مدیریت سررسید گذشته و دارایی‌های کاهش یافته و سیاست‌ها و شیوه‌های مدیریت حسابداری مطرح شدند. در عناصر محتوایی، عوامل مربوط بودن اطلاعات، قابلیت اتکا، جامعیت اطلاعات، مشخصات اعتباری و وام‌ها، کیفیت دارایی‌ها، نرخ نکول، تمرکز ریسک، سیاست‌های مدیریت ریسک اعتباری، تطابق با مقررات، شاخص‌های عملکردی و میزان سرمایه کافی برای پوشش ریسک اعتباری شناسایی شدند.

الگوی طراحی شده با ۲۷ کد پایه در قالب دو مقوله اصلی عناصر شکلی (قابل مقایسه بودن اطلاعات، اطلاعات قابل فهم، اطلاعات به موقع، سیاست‌ها و روش‌های حسابداری مورد

استفاده، مفروضات کلیدی مورد استفاده، تکنیک‌ها و روش‌های مدیریت سررسید گذشته و دارایی‌های کاهش یافته، سیاست‌ها، شیوه‌ها و روش‌های حسابداری) و عناصر محتوایی (مربوط بودن، قابلیت اتکا، جامع بودن اطلاعات، مانده اعتبار، مبالغ سررسید مربوط به هر دسته از اعتبارات، کمک هزینه‌های خاص، تغییرات در ذخایر کاهش ارزش اعتبار، عناصر اعتباری تجدید ساختار شده در طول سال، درآمدها، سود خالص و بازده دارایی، مشخصات وام‌ها، کیفیت دارایی‌ها، نرخ نکول، تمرکز ریسک، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مدیریت ریسک اعتباری، تطابق با مقررات، شاخص‌های عملکردی، نرخ نکول، تمرکز ریسک، سیاست‌های مدیریت ریسک، میزان سرمایه کافی برای پوشش ریسک اعتباری) دسته بندی شدند. به منظور سنجش پایایی مدل، مقدار شاخص کاپا برابر با ۰/۹۰۱ محاسبه شد که در سطح توافق عالی قرار گرفت. بعد از تهیه پرسشنامه عوامل به دست آمده توسط روش دلفی فازی غربالگری و تأیید شدند. به منظور تعیین روایی صوری با ۱۰ نفر از خبرگان صاحب‌چهره به چهره انجام گرفت و نظرات آنان درباره هر یک از گویه‌ها از نظر دشواری، میزان تناسب و ابهام بررسی و به صورت تغییراتی جزئی در پرسشنامه اعمال شد.

نتیجه آزمون بارلت که در سطح خطای ۰/۰۱ معنی‌دار است، نشان داد که بین شاخص‌های داخل عامل همبستگی خوبی وجود دارد. نتایج مجموعه مقادیر عامل‌های استخراج شده بعد از چرخش نشان داد که ۲ عامل با ارزش ویژه بالاتر از یک استخراج شده است. بنابراین از مجموع ۲۷ شاخص می‌توان آنها را به ۲ عامل مفهومی تقلیل داد. نتایج بررسی ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی مرکب نشان داد که مقادیر این شاخص‌ها برای همه متغیرهای پنهان، بیشتر از ۰/۷ است و بنابراین پایایی ابزارهای اندازه‌گیری با استفاده از این دو شاخص تأیید شد.

به منظور اعتبارسنجی کمی مدل به دست آمده، از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که بین شاخص‌های داخل عامل همبستگی خوبی وجود دارد و می‌توان مجموع ۲۷ شاخص را به دو عامل تقلیل داد. همچنین از تحلیل عاملی تأییدی به منظور آزمون میزان انطباق و هم‌نوایی بین سازه نظری و سازه تجربی استفاده شد و مقادیر بارهای عاملی نشان داد که مدل اندازه‌گیری، مدلی همگن بوده و بنابراین اعتبار مدل به دست آمده تأیید شد.

عوامل شکلی: گزارشگری ریسک اعتباری نیازمند ساختاری منظم و استاندارد است. اطلاعات باید به صورتی ارائه شود که شفافیت و قابلیت فهم را تضمین کند. استفاده از فرمت‌های بصری استاندارد مانند نمودارها، جداول و گراف‌ها، به تسهیل درک داده‌ها کمک می‌کند. به عنوان مثال، کایلیو و همکاران

بسیاری از کشورها از جمله ایران است که بر اساس استانداردهای بین‌المللی حسابداری تدوین شده است.

به منظور عملیاتی‌سازی یافته‌های پژوهش، پیشنهادهایی ارائه شد. این پیشنهادها شامل استانداردسازی گزارش‌ها از طریق فرمت‌های بصری و شفاف، افشای جامع اطلاعات کمی و کیفی، تطبیق با استانداردهای بین‌المللی نظیر IFRS و استفاده از شبیه‌سازی سناریوها برای تحلیل ریسک‌های محتمل است. همچنین، افشای جزئیات دقیق سیاست‌های مدیریت ریسک می‌تواند اعتماد سرمایه‌گذاران را افزایش داده و به تصمیم‌گیری بهتر کمک کند.

در نهایت، پژوهش حاضر با تأکید بر عوامل شکلی و محتوایی، مدلی جامع برای گزارشگری ریسک اعتباری ارائه داد. این مدل چارچوبی برای کاهش ریسک نکول فراهم کرده و به شفافیت، مدیریت مالی بهتر و افزایش اعتماد ذی‌نفعان کمک می‌کند. با وجود این، پژوهش با محدودیت‌هایی از جمله چالش‌های دسترسی به داده‌های دقیق و جامع، محدودیت‌های ابزارهای اندازه‌گیری و استفاده از پرسشنامه نگرش‌سنجی مواجه بود.

پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آینده تأثیر مدل ارائه‌شده بر عملکرد مالی مؤسسات در بلندمدت را بررسی کرده و داده‌های واقعی مالی برای ارزیابی مدل به کار گیرند. همچنین گسترش پژوهش به سایر حوزه‌های ریسک مالی مانند ریسک بازار و عملیاتی می‌تواند به ایجاد چارچوبی جامع‌تر منجر شود. یافته‌های این پژوهش می‌تواند راهنمایی عملی برای مدیران مالی، سرمایه‌گذاران و سیاست‌گذاران باشد و بهبود نظام گزارشگری مالی و افزایش اعتماد در نظام مالی کشور را تسهیل کند. بنابراین، پژوهش حاضر با محدودیت‌های قابل توجهی مواجه بوده است که باید در تفسیر نتایج به آن‌ها توجه شود. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، دسترسی محدود به داده‌های واقعی و دقیق مؤسسات مالی و اعتباری بود که به دلیل محرمانگی و حساسیت اطلاعات ریسک اعتباری ایجاد شد. این محدودیت باعث گردید تا پژوهشگران بیشتر به داده‌های حاصل از نظرسنجی و مصاحبه متکی باشند که می‌تواند متأثر از سوگیری‌های ذهنی پاسخ‌دهندگان باشد. همچنین محدودیت‌های ذاتی ابزارهای اندازه‌گیری مانند پرسشنامه، دقت نتایج را تحت تأثیر قرار می‌دهد، زیرا ممکن است تمام ابعاد پیچیده ریسک اعتباری را پوشش ندهد.

محدودیت دیگر، مقطعی بودن زمان پژوهش است که امکان بررسی تغییرات در طول زمان و ارزیابی اثربخشی مدل پیشنهادی در شرایط مختلف اقتصادی را محدود می‌کند. علاوه بر این، تنوع مؤسسات مالی و اعتباری از نظر اندازه، ساختار و

(۲۰۲۰) تأکید دارند که گزارش‌ها باید قابل‌مقایسه و به‌موقع ارائه شوند تا ذی‌نفعان بتوانند به‌درستی تصمیم‌گیری کنند.

عوامل محتوایی: محتوا باید مرتبط، دقیق و جامع باشد. اطلاعات ارائه‌شده در گزارش‌ها باید نه تنها وضعیت فعلی ریسک‌های اعتباری را تحلیل کند، بلکه شامل پیش‌بینی‌های آینده نیز باشد. برای مثال، اسکانلا و پلیزی (۲۰۲۱) اظهار داشتند که تحلیل‌های کمی و کیفی از ریسک اعتباری می‌تواند مبنای بهتری برای تصمیم‌گیری فراهم کند. اطلاعات باید با نوآوری‌های مالی و پیشرفت‌های تکنیکی در مدیریت ریسک سازگار باشد.

اطلاعات قابل‌اعتماد نیز از اهمیت بالایی برخوردارند. اسکانلا و پلیزی (۲۰۲۱) اشاره کردند که اندازه‌گیری دقیق ریسک اعتباری به دلیل محدودیت‌های داده‌ای و ماهیت بلندمدت مواجهه‌های اعتباری، چالش‌برانگیز است. بنابراین، گزارشگری ریسک باید با احتیاط و مبتنی بر اندازه‌گیری‌های واقع‌بینانه انجام شود.

شفافیت و جامعیت در گزارشگری ریسک: برای جلب اعتماد ذی‌نفعان، اطلاعات باید شفاف و قابل‌مقایسه باشند. دا و پنگ (۲۰۲۳) بر اهمیت استفاده از اصطلاحات مشترک و قابل‌مقایسه در گزارش‌ها تأکید کردند. به عنوان مثال، در گزارش‌های بین‌المللی، استفاده از تعاریف استاندارد برای دارایی‌های غیرعملکردی و سررسید گذشته ضروری است. اطلاعات جامع، علاوه بر شفافیت، باید نمایی کلی از وضعیت مالی مؤسسه ارائه دهد. ژانگ و همکاران (۲۰۲۰) تأکید کردند که برای تحلیل ریسک، اطلاعات باید از بخش‌های مختلف یک مؤسسه جمع‌آوری و یکپارچه شود. این امر به تصمیم‌گیران اجازه می‌دهد تصویری کامل‌تر از وضعیت ریسک داشته باشند.

افشای اطلاعات اختصاصی و جلوگیری از عدم شفافیت: بانک‌ها و مؤسسات مالی باید اطلاعات اختصاصی خود را افشا کنند، اما این اطلاعات نباید به‌گونه‌ای باشد که موقعیت رقابتی مؤسسه را به خطر بیندازد. اسکانلا و پلیزی (۲۰۲۱) بر این نکته تأکید داشتند که افشا نباید بهانه‌ای برای پنهان کردن اطلاعات مفید و مانعی برای شفافیت باشد. چنین افشایی می‌تواند به بهبود اعتماد سرمایه‌گذاران و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی کمک کند.

اهمیت گزارشگری دقیق ریسک اعتباری: گزارشگری دقیق و شفاف ریسک اعتباری به بهبود تصمیم‌گیری مالی، جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و کاهش هزینه‌های تأمین مالی منجر می‌شود. افشای ریسک به‌موقع و دقیق، امکان تخصیص بهتر منابع و تدوین استراتژی‌های مدیریتی موثر را فراهم می‌کند. علاوه بر این، شفافیت در گزارشگری ریسک، الزامی قانونی در

خوش خلق، ایرج، طالب نیا، قدرت اله. (۱۴۰۰). «تبیین اثر مفاهیم گزارشگری مالی بر سطح افشای ریسک در گزارشگری مالی سالانه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». *دانش سرمایه‌گذاری*، ۱۰ (۳۸)، ۴۵۵-۴۷۳.

رامشه، منیژه، سرلک، نرگس، زارع بهنمیری، محمدجواد، میرزایی نکو، ریحانه. (۱۴۰۳). «افشای ریسک و بندهای گزارش حسابرسی در بورس اوراق بهادار تهران». *حسابداری و منافع اجتماعی*، ۱۳ (۴).

رحیمی، رحمان. (۱۴۰۱). «بهنه‌سازی سبد اعتباری بانک‌ها و موسسات مالی در محیط پویای ریسک اعتباری». *رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری*، ۸۷ (۶)، ۸۶۶-۸۷۹.

رستمی، محمدرضا، نبی زاده، احمد، شاهی، زهرا. (۱۳۹۷). «بررسی عوامل مؤثر بر ریسک اعتباری بانک‌های تجاری ایران با تأکید بر عوامل خاص بانکی و کلان اقتصادی. *مدیریت دارایی و تامین مالی*»، ۶ (۴)، ۷۹-۹۲.

زارعی، حسین، منصور، جهانگیر. (۱۴۰۱). *قانون تجارت: دیدار. سازمان حسابرسی*. (۱۳۸۵). استاندارد حسابداری شماره ۵: رویدادهای بعد از تاریخ ترازنامه (تجدید نظر شده ۱۳۸۴): سازمان حسابرسی.

سازمان حسابرسی. (۱۳۹۸). *استانداردهای حسابداری | سازمان حسابرسی نشریه ۱۶۰: سازمان حسابرسی*.

طاهری، ماندانا. (۱۴۰۲). «شناسایی موانع و چالش‌های افشای ریسک در بانک‌ها: با تأکید بر روش نظریه زمینه بنیاد». *سیاست‌های مالی و اقتصادی*، ۱۱ (۴۳)، ۱۱-۱۴۵.

طاهری، ماندانا، رحمانی، علی، سلیمانی، غلامرضا. (۱۳۹۸). «ارتباط ارزشی افشا و گزارشگری ریسک در بانک‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران». *نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۱ (۱)، ۱-۲۲.

شمس، میرفیض، بنی‌شریف، عباس. (۱۴۰۰). «سرایت‌پذیری ریسک‌های مالی در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از رهیافت MGARCH». *تحقیقات مالی*، ۲۳ (۱)، ۸۷-۱۰۷.

کوشکی، زینب، علی‌نژاد، محمد، عسگری، فرید. (۱۴۰۳). «ریسک اعتباری در ابزارهای مالی اسلامی». *کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و علوم اسلامی*، ۶ (۶)، ۳۲۱-۳۲۷.

گودرزی، کاظم، عوض‌زاده فتح، فریبرز، غلامی چنارستان علیا، عبدالخالق. (۱۴۰۲). «تبیین عناصر محتوای گزارش

حوزه فعالیت، تعمیم‌پذیری نتایج را با چالش مواجه می‌سازد. سوگیری‌های احتمالی در انتخاب نمونه و همچنین تأثیر شرایط خاص اقتصادی و قانونی حاکم بر نظام بانکی ایران در زمان پژوهش، از دیگر محدودیت‌هایی است که می‌تواند بر تفسیر یافته‌ها و کاربرد آن‌ها در سایر بافت‌های اقتصادی تأثیرگذار باشد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده‌است.

فهرست منابع

احمدی سرتختی، فرشید؛ هژبرکیانی، کامبیز؛ حسینی، سیدشمس‌الدین و معمارنژاد، عباس. (۱۴۰۲). «طراحی مدلی برای ارزیابی ریسک اعتباری مشتریان ضمانت‌نامه‌های صادر شده توسط صندوق ضمانت صادرات ایران با کمک مدل شبکه عصبی مصنوعی». *تحقیقات مالی*، ۲۵ (۴)، ۶۴۱-۶۶۰.

بدری گمچی، حسن، حسنی، محمد، یعقوب نژاد، احمد، رحمانی نیا، احسان. (۱۴۰۳). «تأثیر هم‌گرایی گزارشگری به سمت چارچوب یکپارچه بر کیفیت گزارشگری مالی و تضادهای نمایندگی». *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۳۱ (۲)، ۲۵۹-۲۸۹.

تقوی، مهدی، خدایی وله زاقرد، محمد. (۱۳۹۰). «ارزیابی و ارایه الگوی مناسب برای شناسایی، اندازه‌گیری و کنترل ریسک‌های مالی در موسسات مالی و اعتباری (مطالعه موردی: بانک ملت)». *آینده پژوهی مدیریت*، ۲۱ (۶)، ۱-۱۰.

جهانگیریان، محمد، رضایی، فرزین، احتشام راثی، رضا. (۱۴۰۳). «رتبه بندی اعتباری شرکتهای بورسی بر اساس اطلاعات گزارشگری مالی در بانک‌ها. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*»، ۱۴ (۱)، ۲۲۷-۲۴۸.

ختن‌لو، محسن، بولو، قاسم، تقوی فرد، سیدمحمدتقی. (۱۴۰۱). «ارائه مدلی برای ارزیابی گزارشگری ریسک شرکتی در ایران». *دانش حسابداری*، ۱۳ (۲)، ۱۴-۵۶.

- Brinkmann, S., Jacobsen, M. H., & Kristiansen, S. (2018). Ethics in qualitative research. In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.), *The SAGE Handbook of Qualitative Research* (pp. 381-396). SAGE Publications.
- Caglio, A., Melloni, G., & Perego, P. (2020). Informational content and assurance of textual disclosures: Evidence on integrated reporting. *European Accounting Review*, 29(1), 55-83.
- Caglio, A., Melloni, G., & Perego, P. (2020). Informational content and assurance of textual disclosures: Evidence on integrated reporting. *European Accounting Review*, 29(1), 55-83.
- Crawford, E. P., & Strumper, G. (2018). Quality of credit risk disclosures in emerging markets: A multi-nation study. *International Journal of Accounting & Information Management*, 26(1), 121-142.
- Da, F., & Peng, Y. (2023). Non-financial indicators for credit risk analysis of Chinese technology-oriented micro and small enterprises. *Journal of the Operational Research Society*, 74(4), 1198-1210.
- Donovan, J., Jennings, J., Koharki, K., & Lee, J. (2018). Determining credit risk using qualitative disclosure. Available at SSRN.
- Donovan, J., Jennings, J., Koharki, K., & Lee, J. (2018). Measuring credit risk using qualitative disclosure. *Review of Accounting Studies*, 23(3), 1203-1244.
- Donovan, J., Jennings, J., Koharki, K., & Lee, J. (2021). Measuring credit risk using qualitative disclosure. *Review of Accounting Studies*, 26, 815-863.
- Dowd, V., & Helgeson, C. (2022). Credit risk disclosure and capital market outcomes: Evidence from financial institutions. *Journal of Banking & Finance*, 140, 106408.
- Ellis, J., & Davidson, P. (2019). The evolution of risk reporting: Contextual variables and institutional frameworks. *Accounting & Finance*, 59(2), 865-890.
- Elshandidy, T., Elmassri, M., & Elsayed, M. (2022). Integrated reporting, textual risk disclosure and market value. *Corporate Governance: The International Journal of Business in Society*, 22(1), 173-193.
- Fallah Shams, M., & Banisharif, A. (2021). Investigating the Financial Risk Spillover in Banks Accepted in Tehran Stock Exchange Market through MGARCH Approach. *Financial Research Journal*, 23(1), 87-107. doi: 10.22059/frj.2020.304816.1007033. (In Persian).
- Goodarzi, K., Avazzadeh Fath, F., & Gholami, A. (2023). Determining the content elements of the integrated financial report with the Islamic approach. *Journal of Islamic Marketing Research*, 1(4), 65-90. (In Persian).
- Jahangirian, M., Rezayi, F., & Ehteshamrasi, R. (2024). Credit Rating of Listed Companies Based on Financial Reporting Information in Banks. *Empirical Research in Accounting*, 14(1), 227-248. doi: 10.22051/jera.2023.44334.3150. (In Persian).
- مالی یکپارچه با رویکرد اسلامی». پژوهش‌های بازاریابی اسلامی، ۲ (۴)، ۶۵-۹۰.
- مرادی، صبا، مخاطب رفیعی، فریمه، سقایی، عباس. (۱۴۰۱). «شناسایی الگوهای پویایی ریسک اعتباری مشتریان حقیقی بانک‌ها و مؤسسات مالی (مطالعه موردی: سه بانک ایرانی)». پژوهش‌های پولی و بانکی، ۱۵ (۵۱)، ۱۲۱-۱۵۴.
- ناصرزاده، سمیه، ابوالحسنی هستیانی، اصغر، شایگانی، بیتا، متقی، سمیرا. (۱۴۰۲). «ارزیابی تحلیلی شاخص‌های مؤثر بر ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی و متعارف؛ (با تأکید بر شاخص حکمرانی خوب)». نشریه علمی تحقیقات مالی اسلامی، ۱۲ (ویژه‌نامه اول؛ اولین همایش ملی بانکداری اسلامی ایران)، ۱۴۹-۱۷۴.
- نمازی، محمد، ابراهیمی میمند، مهدی. (۱۴۰۰). «افشا و گزارشگری ریسک شرکت‌ها: ارائه چارچوب جامع». *مجله دانش حسابداری*، ۱۲ (۲)، ۱-۲۷.
- ودیدی، محمد حسین، صفری، پری. (۱۳۹۴). «اثر عدم تقارن اطلاعاتی بر عملکرد در گروه‌های تجاری». *مجله دانش حسابداری*، ۶ (۲۱)، ۱۱۳-۱۳۱.
- Abraham, S., & Shrivess, P. J. (2014). Improving the relevance of risk factor disclosure in corporate annual reports. *The British Accounting Review*, 46(1), 91-107.
- Acheampong, A., & Elshandidy, T. (2021). Does soft information determine credit risk? Text-based evidence from European banks. *Journal of international financial markets, institutions and money*, 75, 101303.
- Ahmadi Sartakhti, F., Hojabr Kiani, K., Hoseini, S. S., & Memarnejad, A. (2023). Designing a Model for Credit Risk Assessment of Customers for Guarantees Issued by the Export Guarantee Fund of Iran via Artificial Neural Network Model. *Financial Research Journal*, 25(4), 641-660. doi: 10.22059/frj.2023.361963.1007488 (in Persian).
- Arafate Joao, D. R., & Maeda, Y. (2024). Measuring Bank Credit Risk Disclosure: A Cross-Country Index-Based Approach. *Review of Business*, 44(2).
- Badri Gamchi, H., Hassani, M., Yaghoobnezhad, A., & Rahmaninia, E. (2024). The Effect of Reporting Convergence toward an Integrated Framework on Financial Reporting Quality and Agency Conflicts. *Accounting and Auditing Review*, 31(2), 259-289. doi: 10.22059/acctgrev.2024.370836.1008901. (In Persian).
- Beasley, M. S., Clune, R., & Hermanson, D. R. (2005). Enterprise risk management: An empirical analysis of factors associated with the extent of implementation. *Journal of Accounting and Public Policy*, 24(6), 521-531.

- Approaches in Management and Accounting*, 87(6), 866-879. (In Persian).
- Ramshe, M., sarlak, N., Zare Bahnamiri, M. J., & mirzaei neko, R. (2024). Risk Disclosure and Audit Report Clauses in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Social Interests*, 13(4), 63-92. doi: 10.22051/jaasci.2023.43532.177. (In Persian).
- Ramsheh, M., Kordestani, G., & Rahimi, F. (1403). The impact of regulatory frameworks on credit risk disclosure quality. *Accounting and Auditing Review*, 30(1), 123-148.
- Rostami, M. R., Nabizade, A., & Shahi, Z. (2018). Factors Affecting Credit Risk of Commercial Banks of Iran with Emphasis on Banking and Macroeconomic Specific Factors. *Journal of Asset Management and Financing*, 6(4), 79-92. doi: 10.22108/amf.2018.105889.1156. (In Persian).
- Scanla, K., & Pelizzi, E. (2021). Credit risk reporting: A comparative study of European banks. *The European Journal of Finance*, 27(5), 423-447.
- Scannella, E., & Polizzi, S. (2021). How to measure bank credit risk disclosure? Testing a new methodological approach based on the content analysis framework. *Journal of Banking Regulation*, 22 (1), 73-95.
- Taghavi, Mehdi, & Khodaei Valah Zagard, Mohammad. (2011). Evaluation and Presentation of an Appropriate Model for Identifying, Measuring, and Controlling Financial Risks in Financial and Credit Institutions (Case Study: Bank Mellat). *Future Studies in Management*, 21(6), 1-10. (in Persian).
- Taheri M. Identifying the Problems and Challenges of Risk Disclosure in Banks: with an Emphasis on the Grounded Theory Method. *qjfp* 2023; 11 (43) :31-64. (In Persian).
- Taheri, M., Rahmani, A., & Soleimani, G. (2019). Value relevance of risk disclosure in Iranian listed banks. *Financial Accounting Research*, 11(1), 1-22. doi: 10.22108/far.2019.110363.1242. (In Persian).
- Zhang, W., Wang, C., Zhang, Y., & Wang, J. (2020). Credit risk evaluation model with textual features from loan descriptions for P2P lending. *Electronic commerce research and applications*, 42, 100989.
- khoshkholg, I., & Talebnia, G. (2021). Explaining the effect of financial reporting concepts on the level of risk disclosure in annual financial reporting in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Investment Knowledge*, 10(38), 455-473. (In Persian).
- Khotanlou, M, Bolo, G., & Tagavi fard, S. M. T. (2022). A Model for Corporate Risk Reporting Evaluation in Iran. *Journal of Accounting Knowledge*, 13(2), 1-29. doi: 10.22103/jak.2021.17904.3531. (In Persian).
- Liang, K., & He, J. (2020). Analyzing credit risk among Chinese P2P-lending businesses by integrating text-related soft information. *Electronic Commerce Research and Applications*, 40, 100947.
- Liang, Y., & He, L. (2020). Credit risk reporting: Form versus substance. *Journal of Banking & Finance*, 112, 105271.
- Linsley, P. M., & Shrivies, P. J. (2006). Risk reporting: A study of risk disclosures in the annual reports of UK companies. *The British Accounting Review*, 38(4), 387-404.
- Lopez-Lira, A. (2023). Credit risk disclosure: Value relevance and information processing. *Journal of Accounting Research*, 61(1), 233-274.
- Lopez-Lira, A. (2023). Risk factors that matter: Textual analysis of risk disclosures for the cross-section of returns. *Jacobs Levy Equity Management Center for Quantitative Financial Research Paper*.
- Miihkinen, A. (2012). What drives quality of firm risk disclosure? The impact of a national disclosure standard and reporting incentives under IFRS. *The International Journal of Accounting*.
- Miklaszewska, E., Kil, K., & Pawłowska, M. (2020). How to strengthen the credit risk disclosure in the EU banking industry. *Journal of Financial Regulation and Compliance*, 28(4), 721-736.
- Naili, M., & Lahrichi, Y. (2022). The determinants of banks' credit risk: Review of the literature and future research agenda. *International Journal of Finance & Economics*, 27 (1) , 334-360.
- Naili, M., & Larichi, S. (2022). Determinants of credit risk in Islamic banking institutions. *Journal of Islamic Finance*, 10(2), 156-172.
- Naserzadeh, S., Abolhasani Hastiani, A., Shaygani, B., & Motaghi, S. (2023). Analytical Evaluation of Indicators Affecting Credit Risk in Islamic and Conventional Banking; (with Emphasis on Good Governance Index). "Islamic Finance Researches" (IFR), 12(The First Special Issue: The First National Conference of Islamic Banking in Iran), 149-174. doi: 10.30497/ifr.2023.244301.1820. (In Persian).
- Peterson, K., Schmardebeck, R., & Wilks, T. J. (2021). The earnings quality and information processing effects of accounting consistency. *The Accounting Review*, 96(1), 375-401.
- Rahimi, Rahman. (2022). Optimization of Credit Portfolio of Banks and Financial Institutions in a Dynamic Credit Risk Environment. *New Research*



Accounting Knowledge & Management Auditing

Vol. 16/ No. 64/ Winter 2027

Proposing a Comprehensive Model for Credit Risk Reporting in Financial Institutions: Emphasis on Structural and Content Elements

Marieh Gorbani

Ph.D. student, Department of Accounting, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran

Nader Rezaei

Corresponding Author. Associate Professor of Accounting, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran. Email: naderrezaei@iau.ac.ir

Rasol Abdi

Associate Professor of Accounting, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran

Hamidreza Azizi Balabayglo

Assistant Professor of Accounting, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran

Abstract

This study aims to design a comprehensive model for credit risk reporting in financial and credit institutions, focusing on the structural and content-related aspects of financial reports. The proposed model seeks to provide a framework that enhances financial information quality while mitigating potential negative consequences such as bank failures. This research is applied in nature and employs a mixed-method (qualitative-quantitative) approach. In the qualitative phase, the statistical population included university professors, financial managers, auditors, and experts in financial reporting. A purposive sampling method was used to select 12 experts, and data were collected through semi-structured interviews. Qualitative data were analyzed using content analysis with MAXQDA software. In the quantitative phase, the statistical population consisted of senior executives, financial managers, and accountants from financial and credit institutions and banks operating in Tehran. A convenience sampling method was employed, with a minimum required sample size of 200 participants for structural equation modeling. Quantitative data were collected via questionnaires and analyzed using PLS software. The results of qualitative and quantitative data analysis led to the development of a comprehensive model for credit risk reporting, consisting of two main categories and several sub-factors. The structural elements include comparability of information, understandability for diverse users, timely report presentation, disclosure of accounting policies and methods, application of asset impairment management techniques, and clarification of key assumptions used in financial analyses. The content-related elements encompass relevance and reliability, comprehensiveness and coverage of all related aspects, financial performance indicators, asset quality, default rates and risk concentration, compliance with regulatory requirements, and sufficient capital to cover risks. The validity of the proposed model was assessed using the Kappa index (0.901), indicating a high level of agreement among evaluators. Additionally, the identified factors were screened and validated using the fuzzy Delphi method. Exploratory and confirmatory factor analysis confirmed the impact of 27 identified factors on credit risk reporting. The findings of this research can serve as a foundation for developing financial reporting standards in financial and credit institutions, contributing to improved transparency and risk management in these entities.

Keywords: Credit Risk Reporting, tructural elements, content elements, Financial and Credit Institutions.

JLE classification: G21, E50

